

خامنه‌ای با رأی ۱۶۰۰۷۸۲۴ سومین رئیس جمهور کشور شد

# خلق با رای خود پشت آمریکا را بخاک سائید

خروشی که در این روز از میان مردم و زحمتکشان میهنمان برمی‌خاست طنین فریادهای آن پیرمرد روستائی زحمتکش بود که می‌گفت:  
"من با رای خود پشت آمریکا را به خاک می‌سایم."

در صفحه ۴

## سومین رئیس جمهور

### حکومت قانون و تأمین خواسته‌های محرومان

● حجت‌الاسلام خامنه‌ای اکنون با رأی قاطع و میلیونی مردم سومین رئیس‌جمهور کشور است. شرکت شورانگیز و گسترده مردم در انتخابات که با آرای بیش از ۱۶ میلیون رأی، خامنه‌ای را به ریاست جمهوری برگزیدند یکبار دیگر نشان داد که توده‌های دها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و همه نیروهای راستین مدافع انقلاب، پشتیبان قاطع خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی هستند و آنچه که جبهه براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار در بوق و کرنا می‌دمد چیزی جز یک دروغ فریبکارانه برای توجیه جنایاتش نیست.

با انتخاب خامنه‌ای به مقام ریاست جمهوری عالی‌ترین مقام اجرایی کشور به کسی سپرده شده است که می‌گوید: "ولادت واقعی خود را در این انقلاب یافتم و با این انقلاب رشد کردم". نقش خامنه‌ای در تدارک انقلاب، سهم او در پیروزی انقلاب و مبارزه مداوم او با دشمنان انقلاب به این قضاوت خامنه‌ای در باره خود مضمونی واقعی می‌بخشد.

بقیه در صفحه ۲

## سمینار شوراهای اسلامی روستاهای کشور

### خواستار خلع پید از فتودالها و بزرگ مالکین شد

نمایندگان شوراهای اسلامی روستاهای کشور که در هفته گذشته با امام خمینی نیز دیدار داشتند، در سمینار سراسری خود که در دانشکده فنی دانشگاه تهران تشکیل شد، با صد، یک قطعنامه (۱ ماده‌ای به اجلاس خود خاتمه داد.

تشکیل این سمینار و صدور قطعنامه توسط نمایندگان شوراهای اسلامی روستاهای کشور رویداد با اهمیتی است که حاکی از تشکل دهقانان زحمتکش و رشد و اعتلای جنبش دهقانی ایران است.

در قطعنامه نمایندگان شوراهای اسلامی کشور ضمن پشتیبانی قاطع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات آمریکایی - صدامی و توطئه‌های جبهه براندازی بسرکردگی آمریکای جنایتکار، آمده است:

● مهم‌ترین شیوه‌های حاکمیت یافتن مستضعفین پیاده کردن اصل شورا در جامعه اسلامی است. این شوراها قانونی باید شوند.

● خلع پید از فتودالها و بزرگ مالکین زالوصفت و حامیان آنان و اجرای هرچه سریع‌تر پیاده‌شدن طرح اصلاحات ارضی اسلامی خواست ماست.

● خواستار اجرای هرچه زودتر طرح مراکز خدمات روستایی و عشایری و ایجاد و گسترش تعاونی‌های اسلامی و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی می‌باشیم.

در صفحه ۹

## اصل ارشاد است

● اساس سیاست جمهوری اسلامی در برخورد با نوجوانان به‌دام افتاده، باید بر ارشاد و تربیت آنان استوار گردد. جمهوری اسلامی تنها با اتخاذ این سیاست می‌تواند نشان دهد که از آن اندازه قدرت معنوی برخوردار است که ایمن "دام افتاده"ها را از دام برهاند، صفوف انقلاب را نیرومندتر و امپریالیسم آمریکا و ایادی و متحدانش را منزوی سازد.

در صفحه ۲

## توطئه‌گر اصلی

"سیا" است

● با در پیش گرفتن سیاستی صحیح و مسئولانه اعضا و هواداران مجاهدین خلق را از دام "سیا" برهانید و به سوی انقلاب جلب کنید.

در صفحه ۱۶

## آموزش‌های یکسال حماسه، مقاومت و پیروزی

● اتخاذ سیاست اصولی در تصفیه و بازسازی نیروهای مسلح، ترویج هرچه گسترده‌تر اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بین پرسنل از اهم وظایف مسئولین جمهوری اسلامی است.

در صفحه ۱۱

## بمباران انبار نفتی کویت

و اهداف

امپریالیسم آمریکا

در صفحه ۱۸

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم گوئیم

بقیه از صفحه ۱

### سومین رئیس جمهور

#### حکومت قانون و ...

با انتخاب خامنه‌ای به ریاست جمهوری مسئولیت تحقق اهداف انقلاب بیش از پیش بر عهده نیروهای صدیق پیرو خط امام افتاده است. پشتیبانی بی‌دریغ مردم و همه نیروهای مدافع انقلاب از خامنه‌ای به او این فرصت را می‌دهد که چنانچه از همه فرصت‌ها و امکانات به‌درستی بهره‌گیری بتواند بار سنگین مسئولیتی را که به دوش دارد به انجام برساند. اکنون بر حجت‌الاسلام خامنه‌ای است که از سفر پرفراز و نشیبی که تاکنون انقلاب ایران پیموده است و از تمامی آزمون و خطاهایی که صورت گرفته توشه لازم را برگزید و تجربه‌های پراکنده را گردآورد با تجربه‌های انقلابات پیروز جهان درآمیزد و راه تعمیق و گسترش انقلاب ایران را هموارتر کند.

#### جانبداری از محرومان

انقلاب پس از سرنگونی دولت موقت، افشای باند لیبرال بازرگان و خط گام به گام دوستان برژنیسکی، در هم شکستن توطئه‌های طیس و نوژه، عزل و طرد بنی‌صدر و غلبه دادن خط امام بر خط سازش که شوروی را بیش می‌کشید تا شعار مرگ بر آمریکا منسی یعنی فراموش شود، در آستانه شکست‌های مفتضحانه تجاوز صدامی - آمریکائی، خامنه‌ای را بر مسند ریاست جمهوری نشاندند. اکنون خامنه‌ای مظهر پیروزی‌های خط امام بر خط سازش و غلبه خلق بر توطئه‌های رنگارنگ جبهه براندازی به سرکردگی آمریکائی جنایتکار است. این حقایق به‌اندازه کافی موقعیت سومین رئیس جمهور و نیز انتظاری را که انقلاب از او دارد بازگو می‌کند.

انقلاب شکوهمند مردم ما در آن مرحله از رشد و تکامل خود است که برای آن که استقلال سیاسی را تضمین کند به طور ناگزیر می‌باید به پایگاه اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم قاطعانه و بدون تزلزل یورش برد و آن را در هم شکند. کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی که خط سازش از آن مایه و نیرو می‌گیرد مهم‌ترین پایگاه اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم به سرکردگی آمریکائی جنایتکار است. این سرمنشاء فقر و تباهی و خانه‌خوابی دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا هنوز پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب تنها خراش‌های سطحی برداشته است. از این کانون توطئه و سازش و شکست انقلاب، هر روز دسیسه‌های تازه‌ای علیه انقلاب سازمان داده می‌شود. از این رو در شرایط حساس کنونی نخستین وظیفه خامنه‌ای به عنوان رئیس‌جمهور کشور آن است که تمام قوای سه‌گانه کشور را در جهت درهم شکستن کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی هم‌آهنگ سازد. مضمون حقیقی مقدم‌ترین مسئولیت رئیس‌جمهور که اجرای قانون اساسی است در شرایط کنونی مقدم بر همه اجرای بدون خدشه اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی و اجرای بدون درنگ اصلاحات ارضی است.

رئیس‌جمهور تنها در چنین صورتی است که قادر خواهد شد "سیاست‌های اقتصادی کشور" به سمت حمایت از مستضعفان و محرومان و دورافتادگان از مراکز اداری و جغرافیائی کشور جهش دهد.

#### حکومت قانون

برای آن که چنین هدفی تحقق پیدا کند،

همان طور که خامنه‌ای در نخستین مصاحبه خود به عنوان نامزد ریاست جمهوری به درستی اشاره کرده است "در عرصه غیراقتصادی هم باید جانب محرومان گرفته شود."

ما بارها گفته‌ایم که خط امام انقلاب را انقلاب کوخ‌نشینان می‌داند و بر نیروی توده‌های دهها میلیونی محروم و "مستضعف" تاءکید می‌ورزد. این که خامنه‌ای هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه غیراقتصادی با سلاک روشن، ترقی‌خواهانه و انقلابی "جانبداری از محرومان" به بررسی و چاره‌جویی مشکلات و مسائل اجتماعی می‌نشیند از همین خصیصه خط امام نشأت می‌گیرد و وفاداری و پایبندی بی‌شائبه و صادقانه او را به "خط امام" بازگو می‌کند.

متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران منشاء بسیاری از نارسائی‌ها، پراکندگی‌ها و ناکامی‌هایی که انقلاب با آن روبروست کناره‌نهادن همین ملاک‌های روسی ترقی‌خواهانه و انقلابی در موضع‌گیری‌های پاره‌ای از شخصیت‌ها و محافل خط امام است!

سومین رئیس‌جمهور برای آن که وظایف خود را در قبال خلق و در مبارزه با جبهه متحد ضدانقلاب، به سرکردگی آمریکائی جنایتکار به

درستی انجام دهد می‌باید پیکار بزرگی را در جبهه داخلی برای تثبیت این ملاک‌ها در تشخیص دوست و دشمن و در حل مشکلات و مسائل اجتماعی به فرجام رساند.

در این ۲/۵ ساله که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، بسیاری از آسیب‌هایی که به انقلاب و مردم ما وارد آمده است همانا از رهگذر درک فعالیت نادرستی است که هنوز هم بسیاری از شخصیت‌ها و محافل پیرو خط امام در تشخیص دوست و دشمن دارند. بر پایه این درک نادرست نه تنها بازرگان‌ها، امیران نظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، بنی‌صدرها خود را بالا کشیدند و انقلاب را به بیراهه کشاندند بلکه صادق‌ها، کشمیری‌ها و فخری‌ها با رخنه در حساس‌ترین مراکز قدرت اجرائی فرصت آن را یافتند که ضربات مهلکی بر پیکر انقلاب و جمهوری اسلامی وارد آورند، آنها برای جلب اعتماد و رخنه در نهادهای جمهوری اسلامی ایران به سرمایه‌اندکی نیازمندند. کافی است که خود را مسلمان دواتشه‌جا بزنند و تا دلناتن می‌خواهد یا انقلابیون کمونیست و دولت‌های ضدامپریالیست و کشورهای سوسیالیست جهان دشمنی بورزند. هنوز نیز این تفاله‌های آمریکا در نهادهای جمهوری اسلامی و در سطوح گوناگون نفوذ و حضور دارند، در کارها اختلال می‌کنند، ناراضی می‌تراشند، در مناسبات میان نیروهای مدافع انقلاب و به‌ویژه میان مسلمانان مبارز پیرو خط امام و معتقدان به سوسیالیسم علمی تخم نفاق و خصومت می‌پاشند و بالاخره در هر زمان که لازم بود به دستور اربابان خود دست به جنایت و خرابکاری می‌زنند.

رئیس‌جمهور باید اهمیت پاکسازی نهادهای جمهوری اسلامی ایران را از این "تفاله‌های آمریکائی" به درستی درک کند و با ملاک‌های ترقی‌خواهانه و انقلابی راه را بر خرابکاری‌های بیشتر اینها ببندد. متأسفانه لایحه "بازسازی" به دلیل آن که بر پایه خصومت با دگراندیشان، تنگ‌نظری و خودمحوربینی تنظیم شده است نه تنها قادر نیست که این "تفاله‌ها" را پاکسازی کند بلکه برای مانور این "تفاله‌ها" که اغلب زیرپوشش "افراطی‌گری مذهبی" علیه انقلاب خرابکاری می‌کنند، میدان بازی فراهم آورده است.

در میان کسانی که خود را پیروان خط امام می‌دانند، قشر پرنفوذی وجود دارد که خود را پایبند هیچ‌گونه ضابطه و قانونی نمی‌دانند،

برای دگراندیشان، هر چند که صادقانه و با فداکاری از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند هیچ‌گونه حقی قائل نیست و در عمل در بسیاری موارد جز ستیزه و دشمنی با این دگراندیشان کار دیگری از پیش نمی‌برد. اعمال این گروه دارای نفوذ سرمنشاء بخش وسیعی از بی‌قانونی‌ها، خودسری‌ها و نتیجتاً فقدان امنیت اجتماعی و قضائی در سطح کشور می‌باشد. هم‌اکنون نقش مخرب و زیانبار این گروه‌ها را در کار دادگاه‌های انقلاب، در آموزش و پرورش، در اعمال برخی کمیته‌ها شاهد هستیم.

رئیس‌جمهور باید درک کند که برای "ایجاد امنیت در کشور" برای آن که "امن قضائی" "امن اجتماعی" و "امنیت کامل" برای مردم فراهم شود، می‌باید در ارتباط جدائی‌ناپذیر با مبارزه قاطع با کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی به مقابله سرچشمه اصلی خطرانی که انقلاب را تهدید می‌کند، تصفیه قاطع نهادها و ارگان‌های جمهوری از "تفاله آمریکائی" آغاز گردد و در ارتباط با این دو روند تلاش وسیع و همه‌جانبه‌ای برای استقرار حکومت قانون به عمل آید. ما قبلاً نیز گفته‌ایم که شرط پایبندی دیگران به قانون آن است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران خود به قانون و اجرای بی‌خدشه آن پایبند باشند.

بسیاری از احکام تصفیه و اخراج، بسیاری از احکام اعدایی که توسط دادگاه‌های انقلاب صادر می‌شود متکی بر هیچ‌گونه موازین قانونی و حقوقی نیست. ماهمچنان بر این سخن خود هستیم که هر حکم اعدام غیرقانونی یک حکم اعدام قانون است. برای ایجاد امنیت در کشور می‌باید به این بی‌قانونی‌ها و خودسری‌ها که زیرپوشش اسلام‌خواهی و دفاع از انقلاب و جمهوری صورت می‌گیرد بی‌درنگ پایان داده شود و در تمامی این موارد توصیه‌های واقع‌بینانه‌ای که از جانب سازمان ما و دیگر مدافعان صدیق انقلاب و جمهوری ارائه شده است مورد توجه جدی قرار گیرد. باید واقعا "همه کسانی که وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند، با هر تفکر و اندیشه‌ای بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی حق تعرض به آنان" را نداشته باشد. ما امیدواریم که سومین رئیس‌جمهور در تاءمین آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی و در اجرای بدون خدشه اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب تضمین‌های واقعی را به‌وجود آورد. ما امیدواریم که رئیس‌جمهور خامنه‌ای در پاسداری از قانون اساسی و در تحقق این خواست و اندیشه امام که "مسال را سال قانون" اعلام کرده‌اند گام‌های استواری به پیش بردارند.

#### پیوند با جبهه جهانی ضدامپریالیستی

خامنه‌ای در نخستین مصاحبه خود به عنوان نامزد ریاست جمهوری تاءکید کرده است "بدون تنگ‌نظری، با کشورهای بی‌غرض مایلیم روابط داشته باشیم، مادرهای مملکت را بر روی خیرات و برکات کشورهای بی‌طرف و بی‌غرض نمی‌بندیم" جمهوری اسلامی ایران برای دست‌یابی به چنین موضع "بی‌طرفانه" و "بی‌غرضانه‌ای" مصائب سختی را تحمل کرده است. وزیر خارجه ایران آقای موسوی در مدت کوتاهی که از مسئولیت ایشان در پست وزارت خارجه می‌گذرد، در تنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس موازین و اصول ترقی‌خواهانه و شایسته انقلاب ایران گام‌های بلندی به پیش برداشته است. اکنون ما با جبهه پایداری و با بسیاری از کشورهای سوسیالیست جهان از جمله با جمهوری دموکراتیک کره (کره شمالی)، رومانی، و کوبا روابط خوبی داریم. با این‌همه هنوز جمهوری

### اصل ارشاد است

از بیش از یکهزار و دویست نفری که در سه ماه تابستان امسال به حکم دادگاه‌های انقلاب اعدام شده‌اند حدود ۷۵۰ نفرشان از کسانی بوده‌اند که توسط رجوی به گمراهی کشیده شده‌اند. از این عده، مطابق آنچه که از جانب دادستانی انقلاب در مطبوعات اعلام شده است تنها حدود یک‌چهارم (۱۸۷ نفر) کسانی بوده‌اند که مستقیماً در ترورها و انفجارها دست داشته‌اند.

آن‌گاه در خواهیم یافت که با اعدام این همه نوجوان احساساتی و تحریک شده چه کار خطرناک و غیرقابل جبران صورت گرفته است! از آقای موسوی تبریزی که می‌گوید: "بچه‌هایی که کمتر از ۱۶ سال دارند، چون مکلف نیستند لذا مجازات هم نمی‌شوند." می‌پرسیم آیا این نوجوان احساساتی و تحریک شده ۱۷ یا ۱۸ ساله و حتی بالاتر، واقعا تکلیف اجتماعی خود را دقیقاً تشخیص داده است؟ آیا او در حدی است که بداند با کی و بخاطر منافع پلید چه نیروهای حاکم می‌بازد؟ آیا این نوجوانان و جوانان گم‌کرده راه، از آن اندازه فرصت برخوردار می‌شوند که به دور از هرگونه پیشداوری‌ها و حصارهای تنگی که توسط رجوی خائن به‌دور آنان کشیده شده است، قادر باشند تا با درک پیچیدگی‌های انقلاب دستان خوالود آمریکای جنایتکار را در پشت اقدامات خود ببینند؟ آقای موسوی می‌تواند ادعا کند که "پند ارشاد" واقعا رعایت شده است؟ و یا آقای رفسنجانی که مکرر گفته‌اند: از اعدام این نوجوانان دلم کباب می‌شود، می‌پرسیم: برآستی چنین می‌اندیشید که "تمام راه‌های اتمام حجت را با اینها تمام کردیم." ایشان که معتقدند: می‌توان از ۹۵٪ جرائم پیشگیری کرد و ۴٪ دیگر را در صورت وقوع جرم اصلاح نمود ولی ۱٪ دیگر جاره ناپذیر است، فکر می‌کنند مثلا همه این ۷۴۷ نفری که در طول سه‌ماه تابستان اعدام شده‌اند، غیرقابل ارشاد بودند؟! مگر خود آقای رفسنجانی نیست که به درستی می‌گفتند: "این بچه‌ها، طفلک‌ها، فقط روزنامه‌ها می‌خواندند و نوار امثال رجوی و بنی‌صدر را گوش می‌دادند و چیزهایی از این قبیل، توی این مدت، بد گرفتار شدند این بچه‌ها و بد دلمی اینها را گرفت؟ آری! اساس سیاست جمهوری

از معالجه، مستند بهداشت مطرح است." و بالاخره "ما باید طوری برخورد کنیم که آنها (که) قدرت اصلاح‌شدن دارند و امکان اصلاح برایشان است، بتوانیم آنها را در جمعیت خوبان نگه داریم. همه مطالب فوق‌نشان می‌دهد که مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی، هرچه بیشتر متقاعد می‌شوند که در برخورد با هواداران و اعضای گمراه گروهک‌ها باید جنبه اصلی و مقدم با سیاست ارشادی باشد. اما واقعیت هنوز هم چیز دیگری است. زیرا اولاً، تاکنون در سیاست جمهوری نسبت به اعضا و هواداران این گروهک‌ها، با اصولاً جنبه ارشاد وجود نداشته و با واقعا ناچیز بوده است و ثانیاً، این گروهک‌های امیدوارکننده هنوز با عمل فاصله زیادی دارد و معلوم نیست که چه اندازه و با چه شتاب ضرور می‌خواهد از حرف به عمل درآید.

به عنوان نمونه، کانیست یادآور شویم که از ۱۲۲۳ نفری که در طول سه ماه اخیر اعدام شده‌اند، ۷۴۷ نفرشان جوانان گمراهی بودند که در دام رجوی افتاده‌اند که بجز ۱۸۷ نفر آنها که بر طبق اعلامیه‌های دادستانی‌های انقلاب سراسر کشور، مستقیم یا غیر مستقیم در طراحی و ترور افراد و یا انفجار و تخریب اماکن دست داشته‌اند، بقیه ۷۵٪ آنها در عطلیات تروریستی و تخریبی شرکت نداشتند. و هرگاه به حرف خود مسئولین امر که معتقدند: آنها جوان هستند و دچار نوعی "قهرمانی" کاذب و گذرا شده‌اند و نمی‌فهمند که چه می‌کنند، توجه کنیم، و هرگاه این نتیجه را بگیریم - که می‌گیریم - که در صورت به کار گرفتن سیاست اصولی ارشاد، اکثریت قاطع آنان آگاه شده و با طرد رهبران خائن خود دیر یا زود در موضع دفاع از انقلاب و جمهوری قرار می‌گرفتند.

در اعدام این "فریب‌خورده‌ها"، تاکید شده بود. به دیگر سخن، باز مسئولین امر نتوانستند مردم را قانع کنند که سیاست کنونی اعدام‌ها، سیاست "درستی" است همچنان بدون جواب باقی ماند. اما با این حال، در همه این اظهار نظرها یک نکته جدید و امیدوار کننده به چشم می‌خورد و آن، تاکید بیشتر و جدی‌تر بر جنبه ارشادی در برخورد با اعضا و هواداران گمراه گروهک‌های آمریکا زده بود. آقای موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب، روز دوشنبه ششم مهرماه طی محامیه‌ای اعلام داشت: "مجازات اسلامی یک بعد قضیه است و بعد دیگر آن، ارشاد مردم است و مجازات برای کسانی است که ارشاد نمی‌شوند.

چهار روز بعد، آقای مهدوی کنی، نخست‌وزیر، تاکید کرد: "من راضی نیستم که جوانان ما به‌دست ما زده شوند و یا ما به‌دست آنها زده شویم. همانطور که امام فرمودند: توبه کنید. ما دست برادری به شما می‌دهیم، نه از موضع ضعف بلکه از موضع قدرت" و "ما نا امید نیستیم، شما هم ناامید نباشید. ما می‌دانیم اگر یا ما قهر کنید دوباره با ما آشتی خواهید کرد.

در همان روز، جمعه دهم مهرماه، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در اولین خطبه نماز جمعه تهران، مفصلاً پیرامون سیاست ارشادی و این‌که سیاست ارشادی باید سیاست اصلی جمهوری اسلامی در برخورد با هواداران فریب‌خورده، گروه‌های براندازی باشد، صحبت کرد و در طی این سخنرانی اظهار داشت: "اولین نکته این است که به طور کلی اسلام کیفر و مجازات را عمده‌ترین وسیله برای اصلاح مجرمان نمی‌داند." "اگر جرم، مراضاست - که هست - قبل

در حالی که تروریسم کور توسط آیدی مزدور و مجریان منحرف سیاست‌های آمریکای جنایتکار ادامه دارد، دولت‌مردان جمهوری اسلامی در مقابله با این توطئه ضدانقلابی، اساس سیاست عملی خود را همچنان بر اعدام اعضا و هواداران گروه‌های تروریست، به‌ویژه سازمان مجاهدین خلق قرار داده است.

در دو هفته گذشته، طبق آمار صادر در روزنامه‌ها، در سطح تهران و شهرستان‌ها، حدود ۴۵۲ نفر اعدام شده‌اند که ۴۰۰ نفر آنها، از اعضا یا هواداران سازمان مجاهدین خلق بودند و تا آنجا که از طریق روزنامه‌ها می‌توان فهمید، بیش از ۶۰ نفر نیز از نیروهای مدافع انقلاب و عابرین و مردم معمولی توسط تروریست‌ها به شهادت رسیده‌اند.

به همین دلیل، در حالی که اخبار مربوط به سرریزی‌های جنبه‌های جنگ، تحولات مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تدارک دولت دولت در جهت انجام اقدامات بنیادی پیشینی شده در قانون اساسی به نفع زحمتکشان و استقبال شوکمند مردم در انتخابات خاغنای به ریاست جمهوری گرمابخش‌همه، منازل، کارخانجات، ادارات و به طور کلی همه محافل اجتماعی بود، این برش مردم سرجای خود بود که آیا مقامات باز برآند که می‌توان از طریق سیاست اعدام صدها جوان فریب‌خورده، تروریسم را ریشه‌کن و امنیت اجتماعی را تا بین نمود؟

تردید نباید کرد که اظهارنظرها و مصاحبه‌های مکرر اخیر مسئولین در حول و حوش همین مسئله را هم پیش از هر چیز باید بیانگر بازتاب نگرانی بجای مردم و پرسش‌های بی‌پاسخ آنان از مقامات دانست.

در طول هفته گذشته، تقریباً همه دولت‌مردان طراز اول جمهوری و همه امام جمعه‌ها روی مسئله اعدام‌ها انگشت گذاشتند و سعی کردند که به پرسش‌های مردم پاسخ دهند. در تمام این صحبت‌ها همچنان بر (۱) "ناگزیر بودن" این همه اعدام و "صحت" آن و (۲) اظهار تا‌سف از "اجبار"

# خامنه‌ای با ۱۶۰۰۷۸۲۴ رأی سومین رئیس جمهور کشور شد خلق با رأی خود پشت آمریکا را بخاک سائید



ضد امپریالیستی میهنان و در جهت خواست توده‌های انقلابی میهنان راهگشا شد ما که به همراه هزاران هوادار صادق و معتقد به انقلاب خونبار میهنان مصمانه در این انتخابات سرنوشت‌ساز شرکت داشتیم و کوشیدیم که با آراء خود "فریاد مرگ بر آمریکا" را در سیل فریادهای رزم‌گیر توده‌های مردمان در سر آمریکا جاری کنیم، می‌کوشیم که همچنان در این راه یار و یاور انقلاب باشیم

اجتماعی و خواست‌های دیرینه کارگران و زحمتکشان را پاسخ گویند. انجمن اجتماعی رفاه و اتحاد هرچه بیشتر صفوف مردم را تأمین کند. آری، مردم مصمم‌اند، پشتیبان دولت و مجلس انقلابی‌اند. "اگر لازم شد ده‌بار، صدبار، هزار بار دیگر انتخاب" می‌کنند و دولت و مجلسی که باید به این حمایت بی‌سابقه توده‌های مفتخر باشد می‌بایستی با پشتیبانی بیشتر و درخور انقلاب

خشم بر امپریالیسم جهانی خروشدن گرفت اراده واحد توده‌ها را با سکوّه هرچه تمام‌تر به نمایش گذارد. اکنون انتخاب‌کنندگان قوی‌دل و مصمم می‌خواهند دست در دست منتخبین خویش "نبرد با امپریالیسم جهان‌خوار" را به فرجامی بایسته انقلاب رسانند. آنان می‌خواهند که مسئولین برگزیده‌شان بدون آنکه لحظه‌ای حتی لحظه‌ای آمریکا را فراموش کند، مصمم‌تر از همیشه آخرین ریشه‌های این "جرثومه فساد" را قطع کنند. با تمام توانی که از قدرت لایزال خلق ستوانه دارند، حقوق پامال شده زحمتکشان را از حلقوم سرمایه‌داران و مالکین بزرگ باز پس گیرند. اصلاحات

این روز از میان مردم و زحمتکشان میهنان برمی‌خاست، طنین فریادهای آن پیرمرد روستایی زحمتکش بود که می‌گفت: "من با رأی خود پشت آمریکا را به خاک می‌سایم" هرچند که امپریالیسم ترسان از این فریادهای رزم‌جویانه به کمک آیدری ریز و درشت خود در جهان در منطقه و در داخل کشور از مدت‌ها قبل کمر به شکست مردم بسته است و می‌خواست با تمهیدات نظامی، مالی و تبلیغی، انتخابات را فلج سازد، ولی هوشیاری مردم و توطئه‌ها را نقش بر آب ساخت. هوشیاری و حفاظت مردمی خصیصه برجسته این انتخابات بود. چشمان تیزبین پاسداران انقلاب و نیروهای حفاظتی وسخت‌کوش آنان آنچنان فضای ایمنی ایجاد کرد که صفوف ۱۶ میلیونی مردم در پناه آن به حوزه‌های اخذ رأی روانه شد تا متحد و یکپارچه "پشت آمریکا را به خاک" ساید. در پی‌کوچه‌های امام‌زاده یحیی از پیرمردی که روانه مسجد است می‌پرسیم چرا رأی می‌دهی؟ می‌گوید: جوانان در جبهه‌ها می‌جنگند ما هم در اینجا، رأی می‌دهم تا با آمریکا بجنگم و این زبان واحد تمامی مردم است

انتخاب سومین رئیس جمهور میهن انقلابمان و انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی روز جمعه دهم مهرماه با استقبال بی‌نظیر توده‌های انقلابی مردم برگزار شد. جمعه روزی بود مشحون از نگرانی و ترقا، روزی که قدرت خلق، روزی که فریادهای مرگ بر آمریکا با رأی میلیونی خلق بار دیگر بیکران خشم توده‌های به‌باخاسته را نثار "شیطان بزرگ" کرد. علی‌رغم تبلیغات گسترده امپریالیسم خبری، علی‌رغم جار و جنجال رادیوها و مطبوعات امپریالیستی و فریادهای مدبوحانه، خروش یکپارچه مردم در روز انتخابات رستاز همیشه برخاست. در مقایسه با انتخابات قبل صف‌ها طول‌تر، اراده‌ها استوارتر، عشق به ماندگاری انقلاب و تداوم آن بیشتر، کینه‌ها نیز افزون‌تر بود. کینه به امپریالیسم و آیدری داخلی آن، کینه به کج‌اندیشان و منحرفین، کینه به آنانی که هزار چندگاه فرزندان خلق را به ناحق آماج گلوله‌هایی قرار می‌دهند که می‌بایست در سینه

از صدور احکام اعدام عجلانۀ مطلقاً اجتناب شود. و به متهمین این فرصت داده شود که بیشتر بیاندیشند تا بر اساس احساسات و خشمی که از پدیده‌های عام روزهای آغاز دستگیری است، در باره افراد قضاوت نشود. موازین قانونی و حقوقی که قانون اساسی برای زندانیان به رسمیت شناخته است حتی‌الامکان رعایت شود و شورای عالی قضائی با دادگاه‌هایی که سیاست عمومی جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند، به طور جدی برخورد کند. سایر ارگان‌های انتظامی و قضائی نسبت به اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب شهید آیت‌الله قدوسی بار دیگر تعهد خود را اعلام کنند و در عمل بدان پای‌بند مانند و جلوی هر نوع تخطی از آن را بگیرند. به اعتقاد ما، با اجرای موارد بالاست که سیاست ارشاد خواهد توانست به سیاست عمده و عمومی جمهوری بدل گردد. ما امیدواریم که چنین شود.

بقیه از صفحه ۳  
عملیات مسلحانه منجر به قتل شرکت‌نماستند پایان داده شود و این اطمینان به کادرها، اعضا و هواداران فعال سازمان مجاهدین و دیگر گروه‌های چپ‌رو داده شود که چنانچه در عملیات مسلحانه، ترور، بمب‌گذاری و از این قبیل شرکت نکنند، اعدام نخواهند شد. حساب نوجوانان را صریحاً و با قاطعیت از دیگران جدا کنید و شرایطی فراهم آورید که این افراد که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند به آغوش انقلاب بازگردند. احکام اعدام کسانی‌هم که در زندان‌ها به اشتباه خود پی می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بیکار ضد امپریالیستی آمادگی خود را اعلام می‌کنند، معلق شود و در زندان این فرصت به آنها داده شود که پیرامون راهی که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند، بیشتر بیاندیشند.

آزاد سیاسی برخوردارند و به گروه‌های گروهِک‌های مسلح نمونه‌وار معرفی نمایند. تنها با چنین اقدام‌های عملی و در صورت اجرای تمام و کمال قانون از سوی خود مسئولین است که می‌توان اعتماد این فریب‌خوردگان را به حقانیت انقلاب و جمهوری جلب نمود. ما ضمن استقبال از نقطه‌نظرات امیدوارکننده‌ای که در سخنان مسئولین طراز اول نسبت به لزوم و اهمیت سیاست ارشادی در هم‌وآوردان راه‌گم‌کرده گروه‌های منحرف و به‌ویژه مجاهدین خلق به چشم می‌خورده‌بار دیگر آنچه را که در همین رابطه در کار شماره ۱۲۸ اول مهرماه مسئولین در میان گذاشتیم، تکرار و بر اهمیت اجرای فوری آنها تأکید می‌ورزیم: به صدور حکم اعدام برای کسانی که مستقیماً در

پشت آمریکا را به خاک ساید. در پی‌کوچه‌های امام‌زاده یحیی از پیرمردی که روانه مسجد است می‌پرسیم چرا رأی می‌دهی؟ می‌گوید: جوانان در جبهه‌ها می‌جنگند ما هم در اینجا، رأی می‌دهم تا با آمریکا بجنگم و این زبان واحد تمامی مردم است

بهبان‌خوار امپریالیسم و تجاوزگران صدایی شلیک می‌شد این کینه در روز انتخابات موج می‌زد و در کنار آن و همراه آن عشق به میهن، به صلح به دوستی به امنیت و برادری به اتحاد و یگانگی. در این روز در تک تک حوزه‌ها، در شهرها و روستاها، در جبهه‌ها آنجا که شقایق‌های خونین پیروزی شکفتن آغاز کرده است، در نخنده‌های نوجوانی که شتابان به حوزه رأی‌گیری می‌شتافت و در سوسو چشمان امیدوار پیروزی که رأی می‌داد آماج اصلی کینه مردم، امپریالیسم آمریکا بود. مگر نه اینکه این هم مصافی بود با امپریالیسم در جبهه‌ای به وسعت میهن انقلابی‌مان. خروشی که در

## اصل ارشاد

## دشمنی جمهوری اسلامی با انقلاب افغانستان تناقض بزرگ انقلاب

بر دولت جمهوری اسلامی است که با درک ماهیت ارتجاعی دشمنی با انقلاب افغانستان که آن را با امپریالیسم آمریکا و رژیم آمریکایی ضیاءالحق درجهبه واحدی رو در روی انقلاب و مردم افغانستان قرارداده است، به دعوت‌های صلح‌جویانه، وحدت‌طلبانه و انقلابی دولت افغانستان پاسخ مثبت دهد.

آمریکا در سازمان ملل نیز، اخیراً ضمن بازدید از اردوگاه‌های پناهندگان افغانی در پاکستان در تحلیل از شجاعت و پایداری آنها در برابر رژیم "مزدور" و "کافر" افغانستان از چیزی فروگذار نکرده است (کپان ۱۰ شهریور - ۱۳۶۰) آنها همه مصداق ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید: "سلام گرگ بی‌طمع نیست" البته رژیم آمریکایی ضیاءالحق که خود را برای زاندارمی منطقه آماده می‌کند، تنها به پناه دادن، تعلیم و تسلیح کردن "مجاهدین" افغانی اکتفا نکرده و مزدوران خود را نیز برای صربزدن به انقلاب افغانستان گسیل می‌دارد. خبری که روزنامه کپان در تاریخ اول شهریور ماه منتشر کرده است تنها نمونه‌ای از این توطئه‌ها را نشان می‌دهد: "یک پاکستانی دیروز ادعا کرد به وسیله دولت پاکستان برای قتل‌عام رهبران رژیم افغانستان اجیر شده بود... این شخص در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در کابل اظهار داشت در سرویس اطلاعاتی پاکستان از مقام برجسته‌ای برخوردار بوده و به خاطر مهارتش در کاربرد سلاح‌ها برای این کار انتخاب شده بود. مقام‌های افغانی گفتند: این شخص و دیگر اعضای گروهش اخیراً بازداشت شدند. این شخص که در یک کفراس مطبوعاتی سخن می‌راند گفت: "ماموریت داشته ۲۰ تن از رهبران رژیم افغانستان را به قتل برساند"

آیا این واقیعت‌ها جمهوری اسلامی را به فکر و اندیشه می‌رساند؟ آیا هنوز تردیدی هست که امپریالیسم و اعوان و انصار و جیره‌خوارانش در توطئه‌های خود علیه انقلاب افغانستان روی این پخش از سیاست جمهوری اسلامی ایران

افغانستان هستند و راز سرپسته‌ای را فاش نکرده‌ایم اگر بگوییم در جایی که تمام نیروهای ضدامپریالیست، ترقی‌خواه و انقلابی در جهان، حمایت آشکار خود را از دولت انقلابی افغانستان اعلام کرده و به افشای سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و مرتجعین و مزدوران منطقه پرداخته‌اند، اصرار در پیشبرد نظریات غلط و مخرب باعث می‌شود که دولت ضدامپریالیست جمهوری اسلامی در اتخاذ موضع نسبت به انقلاب و جمهوری دمکراتیک افغانستان عملاً همدوش جبهه‌های متشکل از ارتجاعی‌ترین نیروها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا شرکت داشته باشند.

درواقع کسانی که فرماندار سبزواری آنها را "خواهران و برادران افغانی" معرفی می‌کند تنها در ایران ساکن نبوده و قسمت بزرگی از آنها در پاکستان ضیاءالحق اسکان دارند و در آنجا از کمک‌های بی‌درج امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، رژیم ضیاءالحق و دولت‌های مرتجع منطقه مانند مصر، انورالسادات، اردن، ملک‌خالد و همچنین متحدین جیبی امپریالیسم آمریکا، برخوردار هستند. البته بسیاری از آوارگان افغانی خواهان آن هستند که به میهن خویش بازگردند. آنچه در اینجا مورد نظر است صرفاً همان مزدورانی هستند که با دولت انقلابی افغانستان می‌جنگد. رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا به دفاع حمایت و پشتیبانی خود را از "مجاهدین افغانی" ابراز داشته و کسانی چون الکساندرهیگ و برزیسکی نیز مکرراً نقش ضدانقلابی "مجاهدین" افغانی را مورد ستایش قرار داده‌اند و حتی "کرک پاتریک" نماینده

گرچه امروز واقعیات آشکار و روشن جای کوچک‌ترین تردیدی درباره ماهیت آمریکایی و ضدانقلابی "مجاهدین افغانی" باقی نگذارده‌اند، با وجود این متأسفانه دولت جمهوری اسلامی علیرغم کوشش‌های مثبتی که برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران در جهان به عمل می‌آورد، همچنان در ارزیابی خود نسبت به انقلاب افغانستان دچار خطاهای بسیار جدی و خطرناکی است ابعاد خطرناک و فاجعه‌انگیز ارزیابی نادرست دولت جمهوری اسلامی از انقلاب افغانستان به‌ویژه زمانی مشخص‌تر می‌شود که بدانیم در حالی که بنابه اظهار نماینده دزفول در مجلس، هنوز گامی اساسی برای پاسخگویی به نیازهای اولیه بیش از ۱/۵ میلیون نفر از هم‌میهن جنگ‌زده ما برداشته نشده است، گروه‌های "سا" ساخته افغانی که بازوی اجرایی مستقیم امپریالیسم علیه انقلاب افغانستان هستند، هنوز از میهن ما ایران، به منابه پایگاه فغانی برای مبارزه علیه انقلاب افغانستان استفاده کرده و از امکانات فراوانی برای فعالیت‌های ضدانقلابی و خرابکارانه خود برخوردارند سخنان آقای عصاران فرماندار سبزواری خطاب به هیئت "صلیب‌سرخ جهانی" که از اردوگاه‌های گروه‌های ضدانقلاب و فراریان افغانی در ایران بازدید می‌کرد این واقیعت تلخ را بازگو می‌کند و تناقض غم‌انگیزی را در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد.

"ما به عنوان یک ملت مسلمان و آزاده هر کمکی از دستمان در حق خواهران و برادران افغانی ساخته باشد دریغ نخواهیم داشت و این برادران و خواهران در کشور ما، در واقع در خانه خودشان هستند"

متأسفانه، سخنان بالا تنها مختص فرماندار سبزواری نبوده، بلکه بسیاری از مقامات طراز اول جمهوری اسلامی ایران نیز دارای نظریات مشابهی علیه انقلاب

آنهايي که ظاهراً به قصد دفاع از "اسلام" علیه انقلاب افغانستان توطئه می‌کنند، کوچک‌ترین اشاره‌ای به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و تغییرات بنیادینی که انقلاب افغانستان در جهت تأمین استقلال سیاسی کشور، ریشه‌کن ساختن سلطه اقتصادی، نظامی، فرهنگی امپریالیسم و سرکوبی متحدان آن به سود توده‌های میلیونی زحمتکشان افغانی انجام داده است، نمی‌کنند. آنها کتمان می‌کنند که انقلاب افغانستان در شرایطی به وقوع پیوست که اختلال، دیکتاتوری، فساد فقر، بی‌سوادی و بیماری بیداد می‌کرد. ۵ درصد از زمینداران، ۵۰ درصد از زمین‌های مرغوب را در اختیار خود داشتند و وسائل و عوامل کشت نیز متعلق به آنها بود و بیش از ۱۲ میلیون دهقان بی‌زمین و کم زمین ۸۰ درصد ساکنان روستا را تشکیل می‌دادند، زیر فشار فئودال‌ها، خوانین و رباخواران کم‌رخ کرده بودند. ۹۰ درصد مردم بی‌سواد بودند و درآمد سرانه از صد دلار در سال تجاوز نمی‌کرد و در سراسر کشور که از فقر و بیماری رنج می‌برد، تنها ۸۰۰ پزشک وجود داشت. در چنین وضعیتی انقلاب به وقوع پیوست و در مدت کوتاهی با انجام اصلاحات ارضی میلیون‌ها دهقان را از قید زمینداران و فئودال‌ها رها کرد و بدیهی است که زمین و دهقانان فقیر بی‌زمین زمینداران و رباخواران را لغو کرد. و در طول یک سال اول پس از انقلاب اقدامات چشمگیری در جهت از میان برداشتن عقب‌ماندگی اقتصادی از طریق افزایش تولیدات کشاورزی، گسترش صنایع، کنترل قیمت‌های مواد غذایی، مبارزه با احتکار، گرانفروشی و بیکاری کمک پزشکی رایگان و گسترش شبکه‌های آموزشی و احداث راه‌ها و نیروگاه‌ها انجام گرفت. بدیهی است که امپریالیسم، سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران و روحانی‌نمایان فئودال وابسته به امپریالیسم نمی‌توانستند علیه این اقدامات ترقی‌خواهانه و انقلابی به مقابله بپردازند و به خزانه "اسلام آمریکایی" متوسل نگردند!

"اسلام" مجاهدین افغانی

بمناسبت سی و ششمین سالگرد تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی

## فدراسیون سندیکائی جهانی دژ استوار مبارزه کارگران در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی

۱۱ مهر (۳ اکتبر) مقارن است با سی و ششمین سالگرد تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی. فدراسیون سندیکائی جهانی به مثابه عالی‌ترین مظهر وحدت و همبستگی توده‌های کارگران جهان، در ۳ اکتبر ۱۹۴۵ در نتیجه مساعی مشترک پیشروترین سازمان‌ها و فعالین سندیکائی جهان پا به عرصه وجود گذاشت و حیات مبارزاتی شربخش خود را به مثابه یکی از مهم‌ترین گردان‌های جنبه انقلاب جهانی در راه تحقق صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی آغاز نمود.

فدراسیون سندیکائی جهانی در طول حیات سی و شش ساله خود، با پیکار بی‌امان در راه گسترش وحدت در صفوف جنبش بین‌المللی سندیکائی نقش بارزی در عقیم گذاشتن توطئه‌های محافل ارتجاعی که می‌کوشیدند صفوف جنبش سندیکائی را آماج نقشه‌های تفرقه‌افکنانه‌شان قرار دهند، ایفا نموده و از این طریق گام‌های اساسی و مؤثری به سود تحکیم و زرفائی هرچه بیشتر همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر جهانی برداشته است.

فدراسیون سندیکائی جهانی در طول دوران فعالیت پرثمرش، سهم ارزنده‌ای در افشای دسایس جنگ‌افروزان ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی که تلاش داشته‌اند روند تنش‌زدایی بین‌المللی را دچار اختلال نموده و از این طریق با شتاب بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی و افزایش تولید سلاح‌های کشتار جمعی سنگینی اصلی بار بحران سیستم جهانی سرمایه‌داری را بر دوش توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان کشورهای خود و دیگر مناطق جهان قرار دهند بر عهده داشته و بدین ترتیب از پیگیرترین مبارزین راه صلح و امنیت خلق‌ها بوده است.

فدراسیون سندیکائی جهانی از مبارزه خلق‌ها در راه استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و به خاطر استقرار نظم اقتصادی نوین بین‌المللی پشتیبانی کرده در مواقع مقتضی به تدارک و برگزاری اجتماعات کنفرانس، راه‌پیمائی‌ها و تظاهرات توده‌ای همبستگی با خلق‌هائی که در راه کسب حقیق تعیین سرنوشت خود استعمار، استثمار نو، نژادپرستی و فاشیسم جنگیده‌اند و در این راه قربانی‌های فراوان داده‌اند، همت گماشته است و بدین ترتیب در عرصه مبارزه ضد استعماری و ضد فاشیستی نیز در خطوط مقدم جنبه جهانی ضد امپریالیستی جای داشته است. و بالاخره فدراسیون سندیکائی جهانی در تمام طول سه دهه نیم زندگی و نبرد پربار خود، همواره از

خوش داشته نظر افکنیم و از این رهگذر مهم‌ترین اهداف و مبرم‌ترین وظایفی را نیز که فدراسیون سندیکائی جهانی در طول سی و ششمین سال فعالیت درخشان خود در پیش رو داشته است مرور کنیم:

کارهائی که W-F-T-U (فدراسیون ۱۰۰) در جهت منافع کارگران انجام داده است

از جوزف هلاویکا عضو هیئت رئیسه (شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری چکسلواکی)

طبقه کارگر جهانی مسافتی طولانی در روند مبارزات خود پیموده است. مردم بسیاری از کشورهای جهان در راه تحقق بخشیدن به امر وحدت سندیکائی در مقیاس بین‌المللی متحمل جنگ‌های وحشتناک بسیاری شده‌اند. پس از از سر گذراندن تمامی این تجربیات تلخ، راه رسیدن به وحدت راه آسانی نبوده است. مذاکرات طولانی و صبورانه‌ای به رهبری سندیکاهای مترقی و در رأس آنها، اتحادیه‌های کارگری شوروی، ضرورت یافت تا ایده تشکیل یک کانون سندیکائی واحد بین‌المللی متحقق گردد.

من به عنوان یکی از اعضای هیات نمایندگی در کنگره طرح اساسنامه فدراسیون سندیکائی جهانی در اکتبر ۱۹۴۵ در کاخ شالوت پاریس شرکت داشتم. بیش از ۲۴۰ نماینده و اعضای علی‌البدل آنها به نمایندگی از طرف ۶۷ میلیون فعال سندیکائی از ۵۶ کشور در این کنگره شرکت داشتند. آنها متعهد شدند که همواره در مقابل هر جنگ جدیدی مقاومت کنند برای حفظ صلح از هیچ کوششی دریغ نورزند فاشیسم را نابود نمایند و مبارزه خستگی ناپذیری را برای پیشرفت اجتماعی و حقوق کارگران به پیش برند.

در میان نمایندگانی که خود را متعهد به مبارزه در راه نیل به چنین اهداف عالی‌هائی می‌دانستند، نمایندگان کنگره سازمان‌های صنعتی آمریکا (C-I-O) حضور داشتند که هرگز

به WFTU ملحق نشدند و بعدها با پیوستن به فدراسیون آمریکائی کار (R-F-L) مرکز جدیدی به نام RFL-CIO به وجود آوردند. این مرکز جدید تحت رهبری ضد کمونیست

مشهوری همچون "مینی" (Meany)، یک سیاست ضد کارگری دارای سمت‌گیری تفرقه‌افکنانه اتخاذ نمود. در میان نمایندگان کنگره سازمان‌های صنعتی آمریکا (C-I-O) "جیمز کاری" دبیر کل وقت سازمان مذکور نیز حضور داشت. وی بعد در جلسه هیئت رئیسه فدراسیون سندیکائی جهانی (در پاریس در نوامبر ۱۹۴۷) با حرارت تمام می‌کوشید تا فدراسیون را به حمایت از طرح مارشال وادارد. این حرکت در شرایط مشخص آن زمان تلاش آشکار در جهت ایجاد شکاف در جنبش سندیکائی جهانی بود. سرانجام این شکاف به زیان کارگران سراسر جهان به وجود آمد.

حقوق و منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کارگران دفاع کرده، در راه تثبیت و گسترش حقوق و آزادی‌های سندیکائی تلاش نموده و همواره از این حقوق در مقابل تهاجم سرمایه‌انحصاری مراقبت نموده است. به تصویب منشور حقوق سندیکائی در ۹ دسامبر ۱۹۵۴ و اعلامیه حقوق و آزادی‌های سندیکائی در ۲۲ آوریل ۱۹۷۸، توسط عالی‌ترین ارگان‌های فدراسیون سندیکائی جهانی،

خود از مهم‌ترین فرازهای فعالیت فدراسیون در این گستره بوده است.

بنابراین تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی که در آخرین روزهای جنگ جهان گستر علیه فاشیسم (این درنده‌ترین و جنایتکارترین جناح انحصارات امپریالیستی) بر شالوده آلمان دیرینه کارگران همه‌کشورها مبنی بر تأمین وحدت گسترده توده‌های خود و به منظور هرچه وسیع‌تر طبقه کارگر جهانی در پیکار همه‌جانبه به خاطر نیل به آماج‌هائی همچون صلح، دموکراسی، ترقی و سوسیالیسم تحقق یافت نقطه درخشانی در تاریخ جنبش سندیکائی جهانی و رویداد برجسته مهمی در سیر تکامل ظرفیت آن بوده است.

۲۵ سال مبارزه پرثمر و خستگی ناپذیر، فدراسیون را به مثابه توده‌های ترین اهرم مبارزات اتحادیه‌ای و در عین حال از جمله مؤثرترین مؤلفه‌های روند انقلاب جهانی در آورده است. تشکیل فدراسیون سندیکائی جهانی گام بزرگی در راه تحقق وحدت تاریخی طبقه کارگر جهان است. فدراسیون سندیکائی جهانی اکنون متجاوز از ۲۵۰ میلیون عضو از کارگران اتحادیه‌های

سراسر جهان دارد. در آستانه سی و ششمین سالگرد تأسیس فدراسیون ضمن گرامی‌داشت این سالروز خجسته بهتر آن دانستیم که از دریچه چشم دوتن از رهبران جنبش سندیکائی جهان که خود از زمره شرکت‌کنندگان در کنگره مؤسسان فدراسیون و از بنیان‌گذاران آن بوده‌اند به شرایط تکوین دشواری‌های عینی و پیروزی‌های چشمگیری که فدراسیون در بدو تأسیس و پس‌از آن، فرا راه

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،  
و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۶

## فدراسیون سندیکائی

اما بهرغم همه مشکلات مصنوعی ایجاد شده از سوی دشمنان وحدت ، فدراسیون سندیکائی جهانی ، همچنان محکم و نیرومند در جای خود باقی مانده است . فدراسیون در طول ۳۵ سال فعالیت پرشمر در راه منافع کارگران هرگز به اصول مندرج در اساسنامه خود پشت نکرده است W-F-T-U حمایت وهمبستگی فوق العاده کارگران سراسر جهان را کسب کرده است زیرا خواستها ، اسناد و سمتگیریهای آن نه تنها با آرمانهای میلیونها کارگر عضو بلکه همچنین با آمال سازمانهای دیگر سندیکائی با وابستگیهای گوناگون یا سندیکاهای مستقل در انطباق است . این گرایش در تمامی کنگرههای سندیکائی جهانی به وضوح آشکار شده و در حضور فعالیتهای سندیکائی تمام جهان صرف نظر از تعلقات سازمانی آنها بیان گردیده است .

این موضوع همواره و مطلقاً روشن بوده است - و فدراسیون نیز هیچگاه از تأکید نسبت به آن دست برنداشته است که در مبارزه در راه حقوق و منافع کارگران در شرایط صلح از کارائی بیشتری برخوردار است

اکنون در حالی که توجه به مشکلات صلح و جنگ ، توقف مسابقه تسلیحاتی ، همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای ساختارهای اجتماعی گوناگون و نیز مساله همکاری بین المللی خصلت هرچه ضروریتری می یابد ، فدراسیون به طرح ابتکارات صلح آمیز جدید و سازنده ادامه می دهد . کلیه تقاضاهای اعلامیهها و به ویژه کوششهای صلح آمیز (فدراسیون) را در گشایش یک کنفرانس سندیکائی جهانی در موره جوانب اقتصادی و اجتماعی خلق سلاح که در انطباق با منافع کارگران قرار داشته باشد را به خاطر می آورم .

فدراسیون همواره به گونه ای خستگی ناپذیر و در این اوضاع با قاطعیتی بیشتر ، مسئولیت اساسی بحران در کشورهای سرمایه داری و تآثرات منفی آن بر سطح زندگی و امنیت اجتماعی کارگران را در عملکرد کمپانیهای فرا ملیتی ارزیابی نموده است آنها در سطح جهان تشنج ایجاد می کنند

رشد هزینههای تسلیحاتی را تدارک می بینند و مردم کشورهای در حال توسعه را در نهایت بی وجدانی و در ازای سود خود به فقر می کشانند فدراسیون از تجربه مبارزه مستمر طبقاتی خود یک نتیجه روشن به دست می دهد :

برای مبارزه علیه جبهه انحصارات و نیرومندی جنگ طلب ضروری است که یک سد نیرومند و انهدام ناپذیر از نیروهای طبقه کارگر ، کارگران و فعالین سندیکائی در سراسر جهان ایجاد کنیم .

کارگران کشورهای مختلف به نحوی فزاینده نسبت به لزوم وحدت آگاهی پیدا می کنند . آنها اهمیت این امر را در عمل روزمره خود تأیید می نمایند . فقط به خاطر بیاوریم تظاهرات عظیمی را که در سالهای اخیر ، در فرانسه ، ایتالیا ، جمهوری فدرال آلمان ، انگلستان و حتی ایالات متحده و یا کشورهای دارای "صلح اجتماعی" از قبیل سوئد که ایده وحدت عمل زمینه می یابد ، روی داده است . همه جلسات

ارگانهای رهبری کننده فدراسیون سندیکائی جهانی ، سندیکاها و کارگران را با محاط موسوم و تشویق کننده و با فراخواندن به وحدت و به مبارزه برای صلح و منافع طبقه کارگر ، مورد خطاب قرار می دهد .

بخاطر بیاوریم کمیتههای همبستگی سندیکائی جهانی که به ابتکار فدراسیون و یا با مشارکت آن به وجود آمده است . همچنین می توان به کمیتههای همبستگی سندیکائی جهانی با مردم الجزایر ، عدن ، ویتنام ، آفریقای جنوبی ، فلسطین ، شیلی و غیره اشاره نمود .

چه اسناد مهمی در حمایت از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران و نیز حقوق اقتصادی و آزادیهای دموکراتیک آنها توسط فدراسیون تصویب شده و یا کوشش شده است که با عمل مشخص به مورد اجرا گذاشته شود . اجازه دهید تنها به منشور امنیت اجتماعی و اعلامیه حقوق سندیکائی که در نهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی تصویب شده اشاره کنیم . همچنین به خاطر آوریم کنفرانسهای سندیکائی جهانی در مورد مشکلات کارگران زن و کارگران جوان را که توسط فدراسیون برگزار شده اند . این کنفرانسها ابزار مهمی در اختیار کارگران زن و جوانان کارگر برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزه شان قرار داده اند .

ما که در تاسیس فدراسیون شرکت داشته و سالها به غنای فعالیت آن کمک کرده ایم ، به همراه همه آنهایی که یکی از بی دیگری در صفوف مبارزاتی آن جای گرفته اند تا برنامههای سیاسی آن را ارتقاء دهند ، عمیقاً اعتقاد داریم که اصول و هدفهای W-F-T-U دیر یا زود بر کل جنبش سندیکائی در سراسر جهان تسلط خواهد یافت این اصول از منافع ، آرمانها و عمیقترین حوائج و نیازهای کارگران و همه اقشار زحمتکش ناشی شده است . اصل صلح ، اصل وحدت در مبارزه برای پیشرفت اجتماعی ، اصل همکاری وسیع برادرانه ، اصل همبستگی بین المللی طبقه کارگر و اصل انترناسیونالیسم پرولتری .

## این يك جشنواره واقعی

### وحدت طبقه کارگر بود

از : بوریس میلف یکی از اعضای هیئت نمایندگی اتحادیه های کارگری بلغارستان در کنگره موسسان W-F-T-U

اگرچه سی و پنج سال از تاسیس فدراسیون سندیکائی جهانی گذشته است ، اما برداشتهای عمیقی را که به هنگام شرکت در کنگره موسس بدست آوردم هرگز فراموش نمی کنم . هیچگاه آن لحظه را از یاد نمی برم ، بیرحمانه ترین و نابودکننده ترین جنگی که بشریت تاکنون با آن روبرو شده بود ، هنوز پایان نیافته بود . تمام شرکت کنندگان در کنگره ، صدها نماینده ای که از چهار گوشه گیتی به محل برگزاری کنگره آمده بودند ، شاهدان زنده آن نبرد سهمگین علیه فاشیسم بودند .

در همان روز اول وقتی که وارد کاخ شایلویت شدم ، عمیقاً تکان خوردم . آنچه که بسیار شادآوری می نمود ، به ویژه روحیه وحدت و برادری حاکم بر جلسه کنگره بود . نمایندگان تمامی قاره ها ، مردمی از تمامی رنگها ، با تعلقات نژادی و مذهبی گوناگون و نظامهای سیاسی و فلسفی مختلف ، حضور داشتند . احساس می کردیم در میان دوستان خوبی قرار داریم ،

برای امر مشترکی جمع شده ایم و تحت هدایت یک اندیشه هستیم . روحیه همبستگی طبقه کارگر پیوند زندگای در میان ما بوجود آورده بود . به همین دلیل ، این حقیقت کثیر ، متنوع و گوناگون یک سد خراب نشدنی بوجود آورد . یک دژ واقعی .

برای تمامی مبارزین ضدفاشیستی که در آن اجتماع حضور داشتند و در مبارزات سندیکائی قانونی و غیر قانونی شرکت کرده بودند ، این یک جشنواره واقعی بود . آنها می توانستند به چشم خود ببینند که چگونه مبارزات آنها در راه وحدت طبقه کارگر در مقیاس ملی و بین المللی در آن روزهای تاریخی رنگ واقفیت به خود می گیرد . تمام نمایندگان در یک مورد اساسی اشتراک نظر داشتند : بیشترین سعی خود را بنمایند تا برخطای گذشته فائق شوند . خطاهایی که موجبات پراکندگی جنبش سندیکائی را فراهم نموده و زیانهای فوق العاده ای برای طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان ببار آورده بود . به این دلیل دعوت به اتحاد که قبل از جنگ در محاق سکوت قرار گرفته بود ، در طول جنگ ، مورد پذیرش سازمانهای سندیکائی کشورهای بزرگ اروپایی و نیز دیگر کشورها قرار گرفت . در تاریخترین ساعات جنگ ، کارگران ، ضرورت وحدت سازمانهای سندیکائی ، ضرورت فشرده گی صفوف خود را علیه بی عدالتی اجتماعی ، استعمار ، نژادپرستی ، سیاست جنگ طلبانه انحصارات و استثمارانسان به وسیله انسان ، درک کردند .

سرانجام هنگامی که نمایندگان طبقه کارگر در پاریس ملاقات کردند ، عمیقاً معتقد شدند که در آستانه تحقق یکی از ایده آل های هستند که در قلب تمامی فعالین سندیکائی سراسر جهان ، حاوی عزیزترین و گرامی ترین ارزشهاست . " وحدت جنبش سندیکائی جهانی " ، " وحدت جنبش سندیکائی " به قول واسیلی - کوزنتسوف رئیس هیات نمایندگی اتحاد شوروی ، در اوج جنگ ایجاد شد . این وحدت با خون کارگران و در راه یک امر مشترک ، تحکیم یافت . آنها که در راه وحدت مبارزه کردند ، کاملاً آگاه بودند که اگر طبقه کارگر بخواهد به مبارزه ای موثر و تعیین کننده علیه نیروهای ارتجاع که آماده اند بشریت را به جنگ سوم جهانی بکشانند دست زنند ، امر وحدت ، ضرورتی اجتناب ناپذیر است به این دلیل اساسنامه فدراسیون جدیداً تاسیس سندیکائی جهانی انعکاسی از فریادهایی بود که از قلب نمایندگان میلیونها کارگر از سراسر جهان برمی خاست .

" جنگ دیگر پس است ، علیه جنگ و نتایج جنگ مبارزه کنیم "

فعالین سندیکائی که از منافع طبقه کارگر دفاع می کنند ، آگاه هستند که نیروهای ارتجاعی تمام سعی خود را بکار می برند تا تفرقه را در جنبش سندیکائی چه در مقیاس بین المللی و چه در مقیاس ملی تشدید نمایند . آنها می خواهند که به منافع حیاتی کارگران ضربه وارد نمایند . آنها سعی می نمایند که بار مخارج تسلیحاتی و بحران اقتصادی را بر دوش مولدین نعم مادی و معنوی جامعه تحمیل نمایند .

جنبش سندیکائی در رابطه با چنین تحولاتی در روابط بین المللی ، نقش قابل ملاحظه ای را در این دوره معاصر بازی کرده و خواهد کرد . نیرومندترین حربه جنبش ما وحدت است . وحدت می تواند نیروی قدرتمندی در جبهه مبارزه علیه نقشه های امپریالیستی که با هدف برانگیختن جنگ هسته ای طرح می شوند ، و نیز در جبهه تحکیم روند تنش زدایی به مثابه یک روند بازگشت ناپذیر و ضرور برای صلح در سراسر جهان باشد .

### خبرهایی از روستاهای کشور

#### گرگان

\* شورای روستایی زنگی محله گرگان محصول گندم سال جاری را بین دهقانان کم زمین و بی زمین نسبت به ۱۰۰ کیلو برای بزرگان و ۵۰ کیلو برای خردسالان تقسیم می نماید. که این عمل با مخالفت روحانی روستا مواجه می گردد وی که حدود ۱۰۰ هکتار از زمین های پدریش نیز توسط شورا مصادره گردیده بود، ابتدا مصرف گندم تقسیم شده را حرام خوانده و چون مورد اعتراض دهقانان قرار می گیرد به دادگاه انقلاب شکایت کرده و مدعی می شود که عواید تمام محصول باید صرف عمران روستا گردد. شورای روستا در دادگاه حضور یافته و خواست مردم و دلایل عمل خود را توضیح می دهد که با پشتیبانی دادگاه انقلاب مواجه می شود

\* هیات های هفت نفره گرگان در تاریخ نهم شهریور طی بخشنامه ای موارد زیر را به شورا های روستایی منطقه ابلاغ می نماید:

الف - کلیه شورا های روستایی موظفند حداکثر تا تاریخ نوزدهم شهریور ۶۰ مقدار ۲۰٪ عواید محصول زمین های شورایی را به حساب تعیین شده واریز نمایند.

ب - دهقانانی که بیش از مقرر تعیین شده محصول بدست آورده و تاکنون ۱۰٪ آن را پرداخت نکرده اند هر چه زودتر اقدام نمایند.

ج - شورهایی که پس از کشت و برداشت گندم محصولات دیگری از قبیل آفتابگردان کاشته اند نیز موظفند بخشی از آن را جهت عمران و آبادی روستا بپردازند.

#### کرمانشاه

\* هیات هفت نفری واگذاری زمین کرمانشاهان در طول ۱۰ ماه فعالیت خود در منطقه از تاریخ بیستم شهریور ۵۹ الی بیستم تیرماه ۶۰ جمعا ۹/۵۸۵ هکتار زمین را بین چند روستایی تقسیم نموده است. همچنین این هیات در طول همین مدت اقدام به تشکیل ۵۶۷ شورا در روستاهای منطقه نموده است.

#### کهنوج

\* گروهی از دهقانان کم زمین روستای محمدآباد از توابع بخش منسوجان با کسب اجازه از هیات هفت نفری واگذاری زمین اقدام به کشت حدود ۲ هکتار از اراضی موات اطراف روستا می نماید، اما امام جمعه منسوجان که عمل تقسیم اراضی را شرعی ندانسته و هیات هفت نفره را غیر قانونی می خواند، طی نامه ای به پاسگاه ژاندارمری خواستار جلوگیری از کشت زمین های مزبور شده و خود ادعای مالکیت بر اراضی موات را می نماید. به دنبال این واقعه دهقانان زحمتکش روستای محمدجان با مراجعه به هیات هفت نفری واگذاری زمین کهنوج خواستار رسیدگی

به مساله گردیده و هیات نیز با دادن اجازه نامه کتبی بلامانع بودن کشت زمین های موات مزبور را اعلام می دارد

#### شهرکرد

\* زحمتکشان روستای وانان هنوز هم از ظلم و احقاق فئودال ها و عوامل شان و اعضای خانه " انصاف " منحل سابق رنج می برند. این ضدانقلابیون که به زور بخشی از زمین های دهقانان و چراگاه عمومی احتشام را غصب کرده اند، بعد از ارسال طومار شکایت اهالی روستا به دادگاه انقلاب شهرکرد، جلوی ورود ماشین آنان را هنگام بازگشت به روستا می گیرند و به انحاء مختلف مانع اقدام به تعطیل تنها گرابه روستا از طریق ضرب و شتم و تهدید مسئول آن به ایجاد رعب و وحشت بین مردم می پردازند. دهقانان زحمتکش وانان شکایت نامه ای نیز به دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان ارسال داشته و بی صبرانه در انتظار اقدام مقامات مسئول جهت کوتاه کردن دست این عناصر مزدور از سرخود می باشند.

\* کشاورزان اطراف شهرکرد که عمده ترین کشت آنها گندم و جو است، امسال به دلیل آفت و سرمازدگی محصولات خود خسارات فراوانی را متحمل شده اند. این زحمتکشان بعد از جمع آوری محصول بلا اصطلاحاتی از قبیل " خرج خود را هم پر نمی کند " و " به زحمتش هم نمی ارزد " وضع خود را بیان کرده و خواستار رسیدگی و چاره اندیشی از طرف ارگان های مسئول می باشند. از جمله دهقانان قریبه دهکسرد با ارسال طوماری که به امضاء ۸۰ نفر رسیده است، به استانداری چهارمحال بختیاری، اداره

کشاورزی، جهاد سازندگی و دفتر آیت الله منتظری خواستار رسیدگی هرچه سریع تر به مشکلات خود شده و اظهار داشته اند: " اگر به وضع ما رسیدگی نشود حتی بذر کافی برای کشت و کار امسال نداریم زیرا در بعضی موارد ۸۰٪ محصولاتمان دچار آفت شده است "

#### رودسر

\* حاکم شرع شهرستان رودسر از پست خود عزل و حجت الاسلام سلیمانی به جای وی منصوب شده است. لازم به یادآوری است که حاکم شرع سابق رودسر همیشه از فئودال های منطقه طرفداری کرده و با مصادره زمین های زمینداران بزرگ و بخصوص اجرای بند " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی شدیداً مخالفت می کرده است

\* سه تن از زمینداران بزرگ منطقه رحیم آباد به اسمی جهانی، فریدونسی و طاهر رحیمی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رودسر دستگیر و در بازرسی که از منازل آنان به عمل آمده است چند قبضه سلاح شکاری بی جواز و نشریاتی به نام " الحقیقه " که در مصر توسط رضایی لوی چاپ می شود، به دست آمده است.

#### به خواست های

#### دهقانان زحمتکش

#### بلوچ رسیدگی کنید

بلوچستان یکی از محروم ترین نقاط کشور ماست و دهقانان رنج دیده بلوچ هنوز و پس از گذشت دو سال و نیم از پیروزی انقلاب همچنان میراث های شوم دوران ستمشاهی را که عبارت است از ظلم و چپاول سرداران و خان ها و مولوی های دریاری، بردوش می کشند و بی شک مسئولین کشور بخصوص ارگان های انقلاب باید توجه ویژه ای به این مردم محروم داشته و انرژی و امکانات بیشتری صرف حل انبوه مشکلات و مصائب آنها بنمایند.

#### املش

\* دو تن از فئودال های ضدانقلابی منطقه املش که از خانواده صوفی می باشند تحت تعقیب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته که یک تن از آنان دستگیر و دیگری هنوز متواری است.

#### داراب

\* یکی از زحمتکشان روستای کوهجردوی داراب

بعینه در صفحه ۱۵

### شوراهای اسلامی روستاها سنگرهای

### دهقانان زحمتکش

### برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



## به مشکلات طاقت فرسای چوپانان عشایری رسیدگی کنید

بعد از پیروزی انقلاب، متأسفانه چوپانان کمترین بهره را از دست آورده‌های آن داشته‌اند. آنان به خاطر نداشتن دام از صادره، مراتع سودی نبردند و اینک هم که تعداد زیادی از سرمایه‌داران و دامداران بزرگ مبادرت به فروش دام‌های خود کرده‌اند، چوپانان بیکار شده و اجباراً به طرف شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند. مسأله جیره‌بندی گالاهای ضروری که اقدامی انقلابی به نفع زحمتکشان است از آنجا که در صد قابل توجهی از چوپانان فاقد شناسنامه بوده و امکان مراجعه به مراکز توزیع کالا را هم ندارند آنان را شامل نگردیده و به ناچار مجبور شده‌اند از همان پیلهوران دوره‌گرد قند و چای و دیگر کالاها را تا چندین برابر قیمت و به طور قاچاق خریداری کنند. در این زمینه لازم است مسئولین جمهوری اسلامی با فرستادن اکیپ‌های سیار مأمورینی جهت صدور شناسنامه و همچنین اکیپ‌هایی جهت توزیع اقلام جیره‌بندی شده به این زحمتکشان این مشکل را حل نمایند.

جمهوری اسلامی باید برای توسعه دامداری و بهبود وضعیت دامداران، چوپانان و عشایر و افزایش تولید گوشت و لبنیات کشور علاوه بر اقداماتی که قبلاً در روزنامه کار شماره ۱۱۶ (میلیون‌ها تن از عشایر محروم و زحمتکش منتظر اقدامات انقلابی دولت است) به آنها اشاره کرده‌ایم. در این مورد خاص نیز با جلوگیری از فروش گوسفندان دانشی توسط گوسفندداران جهت کشتار و خرید آنها توسط مجتمع گوشت جهاد سازندگی و با قرار دادن دام طبق ضوابطی در اختیار چوپانان همچنین، واگذاری مراتع صادره‌شده به آنها، ایجاد انبار علوفه در مناطق گرمسیر توسط جهاد سازندگی و عرضه علوفه، جو، تغال، چغندر، باقیمت دولتی، به چوپانان زمینه‌های بهبود شرایط کار زندگی این زحمتکشان را فراهم سازد و از اجحافات، گوسفندداران، خان‌ها و مالکین بزرگ بر آنان جلوگیری کند. علاوه بر ایجاد اکیپ‌های سیار پزشکی نیازهای بهداشتی این زحمتکشان تامین گردد و اکیپ‌های سیار دام پزشکی برای جلوگیری از مرگ و میر دام‌های آنان تشکیل شود.

قالی و گلیم کمک خرجی برای خانواده دست و پا می‌کنند. در شروع بهار دام‌ها را دوباره به مراتع سردسیر کوچ می‌دهند و این بار بره‌های تازه را هم با خود برده و جدا از مادرها به چرا وامی‌دارند که این وظیفه پسر خانواده است. در این مسیر طاقت‌فرسای زندگی باید به کار هرروزه، دوشیدن شیر و تولید ماست و... و کیفیت خسته کننده آن هم اشاره کرد. زندگی اینان نه عید می‌شناسد، نه عزاداری، نه تعطیل و نه هیچیک از روزهای خاص متداول. حتی در ایام عید اولین روز سال جدید هم اکثراً می‌توان این زحمتکشان را همراه گله دید که به مواظبت از آنها مشغولند و بعد از ظهر و غروب آفتاب برای خوردن تکه نانی به چادر بازمی‌گردند، تکه نانی که فقط در بهار و تابستان با قاتی از قبیل دوغ و ماست و یا استثنائاً آب گوشت همراه است.

را به صورت تک و یا دوتایی و سه تایی در منطقه‌ای که در شعاع چند کیلومتری آن گله دیگری نباشد می‌بینیم و این مسأله موجب می‌شود که آنها از تمام مزایای حداقل یک زندگی روستایی نیز بی‌بهره بمانند. پزشک، دارو، مدرسه و... خلاصه هیچیک از خدمات اجتماعی لازم در زندگی آنان راهی ندارد و به حق جزء محروم‌ترین اقشار در استفاده از این خدمات می‌باشند. مایحتاج زندگی‌شان که به ندرت از قند و چای و آرد و مقداری پارچه برای لباس تجاوز نمی‌کند به وسیله پیلهوران دوره‌گرد به قیمت‌های سرسام‌آور در اختیار آنها قرار می‌گیرد. کوچ گله به مراتع گرمسیری معمولاً تا اواسط پاییز ادامه دارد. در صورتی که در گرمسیر، باران به موقع و کافی نباشد زندگی سخت‌تری در انتظار چوپانان است چون باید هر روز دوباره به گوسفند خوراک بدهند. در این فصل زنان و دخترها با بافتن

تحویل چوپان می‌گردد و در آخر سال در قبال هر ۱۰ گوسفند زنده که تحویل بدهد یک بره به عنوان حقوق تحویل می‌گیرد. مشخص است با توجه به فقر و تنگدستی چوپانان آنان مجبورند از اوایل سال از صاحب گله وجه نقد و اجناس مورد لزوم را قرض کنند و در آخر سال آن‌چه برای آنها باقی می‌ماند مقداری بدهی به مالک است که آنها را وادار می‌سازد دوباره در خدمت او قرار گیرند. وظیفه پر مشقت چوپانی کار و زندگی بسیار سخت و دشواری را بر چوپانان تحمیل می‌کند. اول این که گله باید در جایی باشد که علف کافی برای چرای دام وجود داشته باشد به همین خاطر چادر چوپانان معمولاً در دورافتاده‌ترین و صعب‌العبورترین مناطق گسترده است. از آن گذشته گله‌های متعدد نمی‌توانند در یک محیط کوچک قرار گیرند، نتیجتاً همیشه چادر چوپانی

به جرات می‌توان شغل چوپانی را به عنوان پرنج‌ترین و چوپانان را از پیکارترین و محروم‌ترین اقشار جامعه دانست، به همین جهت معمولاً در عشایر و روستاها افرادی به شغل چوپانی روی می‌آورند که زمین و دام کافی برای تأمین حداقل معیشت ندارند، یعنی بی‌چیزترین و کم‌درآمدترین افراد روستایی و عشایری اجباراً در خدمت خان، فئودال‌ها، زمین‌داران، دامداران و چوپانان بزرگ درآمد و با کمترین درآمد و مزایا به پر مشق‌ترین و سخت‌ترین کار معیشتی می‌پردازند، ضمن آن که در این رنج و سختی خود تنها نیستند زیرا ویژگی این حرفه می‌طلبد که خانواده، وی نیز در آن شریک باشند اصولاً فرد بشرطی می‌تواند مسئولیت چرای یک گله ۳۰۰ الی ۴۰۰ رأس گوسفند را به عهده گیرد که دارای زن و حداقل دو فرزند ده، پانزده ساله باشد. حقوق یک چنین خانواده‌ای را یا به صورت وجه نقد و یا بر طبق رسوم گذشته عشایر به صورت ۱۰ بره یک می‌پردازند. حقوق نقدی که در سال‌های اخیر بیشتر مرسوم شده است را طبق قرارداد سالیانه پرداخت می‌کنند. سال چوپانی بر اساس سنت عشایر از اواسط تابستان شروع می‌شود، چون در این زمان بره‌ها و گوسفندان پیر از گله جدا شده و گله شمارش و تحویل چوپان می‌گردد. طبق قرارداد چوپان نمی‌توانند در میان سال گله را رها و شغل خود را ترک گویند، ولی صاحب گله می‌تواند در هر زمان آن را از چوپان گرفته و او را بیکار کند. در این گونه قراردادها بنیر و ماست و کره و کشک و پشم گوسفندان متعلق به مالک است حال آن که تهیه لباس و کفش و گیوه و نمد و دیگر ملزومات شبانی به عهده خود چوپان قرار دارد. نوع دیگر قرارداد سنتی (ده به یک) به این صورت است که حقوق سالیانه چوپانان به شکل دام پرداخت می‌گردد، بدین ترتیب که گوسفندان در شروع سال چوپانی شمارش و

### سمینار شوراهای اسلامی روستاهای کشور

## خواستار خلع ید از فئودالها و بزرگ مالکین شد

سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستاهای کشور که در هفته گذشته در محل دانشکده فنی دانشگاه تهران تشکیل شد، روز پنجشنبه با صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه سمینار قاطعانه خواستار "خلع ید از فئودالها و بزرگ مالکین زالوصفت و حامیان آنان و اجرای هرچه سریع‌تر پیاده‌شدن طرح اصلاحات ارضی اسلامی" شده است. با توجه به اهمیت این قطعنامه ما مبادرت به چاپ آن می‌نمائیم.

در گوشه و کنار مملکت و در سطوح مختلف از درون مردم جوشید، و شوراهای اسلامی روستاها نیز از آن جمله‌اند. جهاد سازندگی به منظور هماهنگ نمودن و تقویت شوراهای اسلامی روستایی اقدام به تشکیل سمینار سراسری این شوراها نموده، که ما نمایندگان منتخب روستائیان در آن گردآمده و در پایان موارد زیر را به عنوان قطعنامه اعلام می‌داریم:

۱- ما نمایندگان شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور ضمن اعتقاد به اصل اسلامی ولایت فقیه، به پیروی از فرمان امام عزیزمان، فعالانه در سومین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران شرکت نموده و از همه اقشار مختلف امت قهرمانان خواستاریم که با حضور در پای صندوق‌های رأی توطئه‌های شیاطین و

جهت حرکت انقلاب اسلامی ایران، همچون انقلاب انبیا، رهانیدن مستضعفین از بندهای جهل و فقر و ظلم و تحقیر وعده الهی یعنی حاکمیت یافتن مستضعفین می‌باشد. از مهم‌ترین سئوهای حاکمیت یافتن مستضعفین که در منابع بزرگ اسلامی تاکید فراوان شده و علمای عظام و اسلام شناسان متقی نیز آنرا توصیه می‌نمایند، پیاده‌کردن اصل شورا در جامعه اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شوراهای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم - قطعنامه سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستاهای کشور - انقلاب اسلامی ایران که به حق ادامه راه انبیا الهی و بخصوص پیامبر بزرگ اسلام است: تحت رهبری مرجع و قاعد عظیم الشان حضرت امام خمینی و مشارکت توده‌های میلیونی ملت، با نثار خون‌صدها هزار شهید و معلول در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ اولین مرحله پیروزی را تحقق بخشید و با استقامت و پایداری امت اسلام و نیروی ایقان همچنان توفنده و پرشتاب به حرکت خود ادامه می‌دهد.

## آزموده را آزمودن خطاست

گروهک ضدانقلابی "بیکار" در اجرای توطئه جدید خود از تجارب مائوئیست‌های مسلمان نمای هم‌مسلك خود غضنفرپورها، سلامتیان‌ها و رئیس آنان بنی‌صدر، استفاده می‌کند!

## ترفندهای تبلیغاتی امپریالیسم آمریکای نوکرانش را افشاء کنیم

بلندگوهای امپریالیسم در هفته گذشته اعلام داشته‌اند که سازمان ما و حزب توده ایران در اقدامات تروریستی و تشنجات داخلی دست داشته‌اند. حتی یکی از رادپوهای ضدانقلاب اعلام داشته است که عده‌ای از افراد دو سازمان مذکور برای تحولات احتمالی آینده در افغانستان تعلیمات نظامی می‌بینند. در همین حال همین رادپوها یکی دو تن از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی را وابسته به سازمان‌های فوق‌اعلام داشته‌اند هدف از این تبلیغات عوام‌فریبانه و بی‌شمارانه در عین حال جنون‌آمیز و یاس‌آلود همانگونه که اشاره رفت آن است که از سوی با ایجاد سوءظن و بدبینی نسبت به نیروهای ترقی‌خواه خط امام، این نیروها را سود محافلی راستگرا و ضدکمونیست تضعیف کنند و از سوی با متوجه ساختن لبه حجلات جمهوری اسلامی علیه کمونیست‌ها مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان آن را دچار ضعف سازند و پایگاه انقلاب را تضعیف سازند.

ما همه نیروهای ضدامپریالیست مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را به افشاء هرچه بیشتر این ترفندهای تبلیغاتی امپریالیسم فـرا می‌خواهیم. آگاهی مردم و نیروهای انقلاب نسبت به این شیوه‌های تبلیغاتی عوام‌فریبانه امپریالیسم به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که به روشنی نشان می‌دهد که:

امپریالیسم آمریکا می‌خواهد نیروهای ترقی‌خواه جمهوری اسلامی را تضعیف کند و نیروهای راستگرا را تقویت و همچنین جمهوری اسلامی را از حمایت بی‌دریغ کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی محروم سازد.

نیروهای راستگرا و قشری نیز دقیقاً و به‌همت خود در همین حست عمال می‌کنند نتیجه اقدامات جنایتکارانه و تروریستی رجوی‌ها و بنی‌صدرها که مسئولان جمهوری اسلامی را ترور می‌کنند نیز دقیقاً همین است.

همواره یکی از هدف‌های شناخته شده امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن تلاش در جهت به فراموشی کشاندن شعار مرگ بر آمریکا و برانگیختن نیروهای جمهوری اسلامی علیه کمونیست‌ها به جای مبارزه علیه آمریکا بوده است مقاصد فوق در راستای هدف کلی امپریالیسم که همان سرنگونی جمهوری اسلامی و شکست انقلاب ایران است، به شیوه و ترفندهای مختلف دنبال می‌شود. از ترفندهای شناخته شده امپریالیسم و متحدان آن، در این زمینه می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱ - انتساب پیروزی ضدامپریالیست و ترقی‌خواه جمهوری اسلامی ایران، ۲ - خرابکاری، ترور و دیگر اقدامات جنایتکارانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی و تلاش در جهت انتساب آن به کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی مدافع جمهوری اسلامی ایران.

نقطه‌زاده و بازرگان، نویسندگان روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزان بارها دانشجویان خط امام و دیگر نیروها و شخصیت‌های ترقی‌خواه جمهوری اسلامی ایران را متعایل به کمونیسم و پیرو کمونیست‌ها خواندند همچنین بارها کوشیدند خرابکاری، کارشکنی‌ها و سایر اعمال ضدانقلابی لیبرال‌ها، سلطنت‌طلبان و دیگر ابادی امپریالیسم را به کمونیست‌ها نسبت دهند و از این طریق گرایش‌های راست‌روانه و ضدکمونیستی را در جمهوری اسلامی دامن رند و مبارزه علیه کمونیست‌ها که مد‌ان صدیق و بیگرا است و جمهوری اسلامی هستند، بسدل سازند. همه این تلاش‌های مذبوحانه در اثر هوشیاری کمونیست‌ها و واقع‌بینی نیروهای اصیل و صدیق خط امام نقش بر آب شد و زندگی سرانجام تمام این ترفندهای شیدانه و عوام‌فریبانه را برای نیروهای مبارز خط امام و توده‌های مردم بره‌لا ساخت.

"مذهب" بین نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی تفرقه بیاندازد. او به گمان خودش کوشید مردم را به سیاست اصولی و انقلابی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران بدبین کند.

تا آنجا که مسئله مربوط به گروهک ضدانقلابی "بیکار" است، هیچ چیز عجیب و غیرمنتظره‌ای به چشم نمی‌خورد، طبیعتاً مائوئیسم که سنگ بنای ایدئولوژیکی و سیاسی این جریان ضدانقلابی است، اقتضا می‌کند که گروهک بیکار به هر نحو و به هر شکل که شده با نیروهای انقلابی کینه‌توزانه پیشبرد.

آنچه که برای ما و همه نیروهای ترقی‌خواه میهن که قاطعانه از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند، مایه تاسف و سؤال است این است که چگونه مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تا به این پایه در دام گروهک آمریکایی "بیکار" افتاده‌اند که عضو این جریان احمد رادمنش اجازه پیدا می‌کند که از فراگیرترین وسیله ارتباط جمعی دو ساعت به نام به اصطلاح دفاع از انقلاب، علیه انقلاب و نیروهای انقلابی لجن‌پراکنی کند، شوروی را پیش کشد تا آمریکا منسی شود و هم‌سنگان آن در دادگاه‌ها و زندان‌ها همچنان تخم نفاق و پراکندگی بیابند.

مثلی است معروف که می‌گوید: "آزموده را آزمودن خطاست" مقامات جمهوری اسلامی پس از آن همه سیلی‌هایی که از مائوئیست‌های مسلمان‌نمای آمریکایی مثل سلامتیان‌ها، و غضنفرپورها و رئیس‌شان بنی‌صدر خورده‌اند، هنوز هم اجازه می‌دهند بیکاری‌ها خط و سیاست بنی‌صدری‌ها را به کمک آنان پیش برند.

هستند! "بیکاری" کارکشته، در اجرای نقشه دستگاه‌های جاسوسی امپریالیسم چنین وانمود کرد که گویا هر جنسیتی که از و دیگر مائوئیست‌ها علیه جمهوری انجام می‌دهند، مطابق رهنمودهای مارکسیسم - لنینیسم و آن هم مارکسیسم لنینیسم خلاق است.

بخش دیگر سخنان این "بیکاری" متوجه انجام وظیفه‌های بود که همه مائوئیست‌ها در دنیا به ایفا می‌شغولند. مائوئیست‌ها می‌گویند که از موضع تـسز "دو ایر قدرت" حرکت کنند و آرام آرام آمریکای جنایتکار را به دست فراموشی بیاورند و شوروی را به جای آمریکا بنشانند "بیکاری" احمد رادمنش از توده‌گیرترین وسیله ارتباط جمعی درست در لحظاتی برای آمریکای جنایتکار شریک جرمی به نام شوروی تراشید که مردم ایران از خبر توطئه آمریکایی انفجار بمب در نخست‌وزیری شدت خشمگین نگران سرنوشت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر منتخب خود بودند!

وبالاخره این "بیکاری" رسوا در سؤال و جوابی که روشن‌بود به دقت در مصاحبه "جاسازی" شده، در پاسخ این سؤال که: "درباره گروه‌های دیگر چه می‌گویید؟" به‌حمله‌های نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی پرداخت. این مائوئیست توطئه‌گر که درباره دهها گروه ضدانقلابی و لیبرال از قبیل "رنجبران"، "چپه ملی" و "نهضت‌آزادی" و... یک کلمه هم نگفت، علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران به فحاشی و افترازی پرداخت. او که به جرم براندازی جمهوری اسلامی ایران به محاکمه کشیده شده نیروهای راستین مدافع انقلاب را "ریاکار" خواند و تمام نیروی دوزخی خود را بکار برد که با طرح مسئله

اخیراً گروهک ضدانقلابی "بیکار" که پس از دو سال و نیم دشمنی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در حال تلاشی کامل است، دست به تاکتیک جدیدی علیه انقلاب زده است.

از چندی پیش در شهرهای تهران، تبریز، قزوین و پارهای دیگر از شهرها عناصر دستگیرشده‌ای از این گروهک، همراه مامورین به خیابان‌ها می‌آیند و به بهانه معرفی "مخالفین" و "محررفین"! هواداران سازمان و حزب توده ایران را شناسایی و به کمک مامورین جمهوری اسلامی برای آنها پرونده جعلی می‌سازند.

این دسته از اعضای "بیکار" در زندان‌ها، توده‌های آنها را با بازجویی می‌کنند. آنها تمام بحث‌های سالم و سازنده‌ای را که بین مسئولین زندان و هواداران سازمان ما و حزب صورت می‌گیرد، تخریب می‌کنند به‌بهره می‌کشاند و دشمنی نسبت به صدیق‌ترین مدافعان انقلاب و جمهوری را در دل مسئولین زندان می‌کارند و دامن می‌زنند.

علاوه بر این تاکتیک جنایتکارانه، توطئه کثیف دیگری نیز توسط این گروهک علیه پیروان سوسیالیسم علمی (حزب و سازمان) تدارک دیده شده است. این توطئه با کمک محافل تنگ‌نظر و قشری جمهوری اسلامی ایران پیاده می‌شود که یک نمونه آن را در مصاحبه احمد رادمنش از کادرهای درجه اول "بیکار" و مسئول انتشارات این گروهک در روز هشتم شهریورماه پس از پخش سرویس اخبار تلویزیون شاهد بودیم. کادر گروهک بیکار طی مصاحبه خود، با کار کشتگی کوشید:

بسه میلیون‌ها بیننده تلویزیون القاء کند که باند‌های ترور و خرابکاری که هدفی غیر از براندازی جمهوری اسلامی ایران ندارند "کمونیست"

# آموزش‌های یکسال حماسه، مقاومت و پیروزی

جبهه‌های انقلاب کشته بود هماهنگی نسبی سپاه و ارتش سازماندهی منسجم تر نیروهای رزمنده و شناخت و تسلط کاملتر بر جبهه‌های نبرد و ایجاد رابطه منظم جبهه و پشت جبهه زمینه‌های ارزشمند برای شروع مرحله پاکسازی میهن از تجاوزگران صدامی بود.

از اوایل دی‌ماه ۵۹، تعرض کلاسیک جبهه‌های انقلاب آغاز شد اگرچه در طول ماههای اول تجسریاتی از تلفیق جنگ توده‌ای و کلاسیک نصیب رزمندگان قهرمان ما شده بود ولی آزمایش یک نبرد منظم زرهی با ارتش صدام همچنان در دستور کار جبهه‌ها بود. پیروزی‌های دی‌ماه در غرب اهواز و ارتفاعات چالوند حاصل این مرحله از نبرد بود که در تداوم خود تا اسفند ۵۹ پیروزی‌های موضعی متعددی را در ارتفاعات بازی‌دراز و میک و مناطق دبحردان، کرخه‌کسور و هویزه نصیب ایران کرد.

نیروهای رزمنده به‌ویژه ارتش در این مرحله از جنگ در کساکش بین دو جبهه متضاد یعنی بازتاب روند تعیین‌یافته انقلاب در جبهه‌ها از یک سو و فرماندهی بنی‌صدر از سوی دیگر تحول ویژه‌ای را از سر گذراند. سیاست تسلیحاتی ضدانقلابی بنی‌صدر و اصرار او بر کلاسیک‌بودن مطلق جنگ در شرایطی که عراق همچنان برتری تسلیحاتی داشت، و به ویژه انتقال بحران سیاسی درون حاکمیت به درون جبهه‌ها و دامن‌زدن تضادهای درون ارتش، اثرات مخرب خود را در جهت طولانی شدن دوره تثبیت نیروهای انقلاب در جبهه‌ها باقی گذاشت.

از سوی دیگر انجام رزمی ارتش از پائین همراه با حضور فعال سپاه و نیروهای مردمی و تحکیم روحیه انقلابی در کلیت جبهه‌ها، جو فرماندهی خائنه بنی‌صدر را می‌شکند. نیروهای دشمن بخاطر طولانی شدن جنگ و افت انگیزه تهاجم در مواجهه با واقعیت‌ها به حالت تدافعی می‌افتد. کلیه حمله‌های عراق به شکست مواجه می‌شود و هیچ‌گونه پیروزی نظامی به‌ویژه در غرب بدست نمی‌آورد. تعادل روحیه یا در اصطلاح نظامی "دوم سوم

بقیه در صفحه ۱۲

ده لشکر زرهی خود را در مرزهای ایران آماده حمله نمود با شروع جنگ، بسیج سراسری و عبرت‌انگیز نیروهای مدافع آغاز گشت. فراخوان عمومی امام، هجوم توده‌های میلیونی مردم برای مقابله با تجاوز، عکس‌العمل سریع پرسنل قهرمان و میهن‌پرست و پاسداران جان بر کف، رویای فتح سه روزه صدام را درهم شکست. تهاجم هوایی عراق موفقیت‌آمیز نبود و در زمین نیز توب و تانک صدام با دیواری از گوشت و خون توده‌های انقلابی مواجه شد یا این همه به لحاظ آمادگی و تدارک عراق و بسا استفاده از فرصتی که بسیج و بازپایی نیروهای مسلح ما به وجود می‌آورد، ارتش صدام خونین‌شهر را در جنوب و آن سرپل‌ذهاب، گیلانغرب تا سوسنگرد و اطراف سیستان را در غرب زیر آتش توپخانه و سلاح سنگین خود اشغال نمود این بی‌شوری دشمن به‌ویژه در خونین‌شهر علاوه بر ناهماهنگی و غافلگیری نیروهای انقلاب، ناشی از اعمال فرماندهی بنی‌صدر بر جبهه‌ها نیز بود. جدام که از گرفتارشدنش در جنگی نه چندان کوتاه، آگاه شده بود به‌صرف خونین‌شهر و قسمت‌هایی از نوار غربی ایران شدیداً تبلیغ نمود جنگ در خونین‌شهر و آبادان کوجه به کوجه، و در غرب تپه به تپه ادامه یافت. در این مرحله به اعتراف فرماندهان ارتش توان مانوری و تسلیحاتی ارتش صدام نسبت به ارتش ایران تا ۲۵ برابر می‌رسید.

پایان این مرحله با توقف کامل پیشروی عراق و تصفیه زمینه برای تعرض نیروهای انقلاب همراه بود و این دستاوردی بود که به قیمت خون پرشورترین و پاکبخته‌ترین جوانان انقلابی میهن، اعم از پاسدار و ارتشی و بسیجی، نصیب

جنوب میهن و اوج روحیه تهاجمی ارتش صدام بود که در مقابل خود با بسیج میلیونی نیروهای انقلاب می‌بایستی درهم شکسته شود.

## جنگ در چه شرایطی آغاز شد

تصمیم رژیم صدام برای تجاوز به ایران از ماهها قبل و حتی اوایل انقلاب دارای زمینه‌ها و آثار و شواهد روشن بود. نقل و انتقالات مرزی، موضوع گیری‌های سیاسی و خرابکاری‌های مداوم در منطقه خوزستان و کردستان که بر زمینه تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم برای مقابله بنا انقلاب ایران صورت می‌گرفت پیش‌بینی این تهاجم وحشیانه را بسیار آسان می‌نمود. صدام بر اساس محاسبات غلط خود از پیروزی مدافع ایران، به‌ویژه تکیه بر پراکندگی حاصل از انقلاب در نیروهای مسلح، به تبلیغ "فتحه سه روزه" در ارتش خود پرداخت. از سوی دیگر در نیمه اول سال ۵۹ خط بنی‌صدر به محور ناخالصی‌های درون حاکمیت تبدیل شده بود. سیاست بورژوازی او در ارتش بر سر راه بازسازی و تمهید نیروهای مسلح در جهت دفاع یکپارچه از انقلاب، موانع جدی فراهم کرده بود. کودتای نوزده تپلور این سیاست بود. او با تحلیل غلط و مفرزانه‌ای که از اطلاعات و اخبار بدست آمده از توطئه صدام در مورد زمان و مکان حمله اراکسه می‌نمود، ارتش را از تدارک انقلابی برای مقابله با تجاوز دور می‌داشت. به علاوه او بی‌میل نبود در کوران یک جنگ مرزی محدود در مقام فرماندهی کل قوا به ابفای نقش نظامی - سیاسی در جهت تثبیت خط سازش بردازد و ارتش را مطابق سلیقه خود سازمان داده و به خدمت اهداف پلیدش درآورد. در چنین شرایطی عراق بیش از

پشت جبهه نیز بر توان و مشتاقی در این روند تحول و انسجام نیروهای مدافع انقلاب سهمی عظیم داشت. ارتش صدام با واقعیتی تلخ روبرو شده بود. واقعیتی که برای آن برنامه و انگیزه و پیش‌بینی نداشت و این واقعیت مقاومت شورانگیز نیروهای مسلح و مردمی ما بود. واقعیتی که بیانگر بویایی و خلاقیت و زاینده‌گی نیروهای انقلابی هر چند جوان و کم‌تجربه در تقابل با ضدانقلاب و تجاوزگر سازمان‌یافته و با تجربه بود. پیشروی دشمن در مواجهه با این واقعیت متوقف شد. برتری تجهیزات و تسلیحات و نیروی انسانی جبهه متجاوز تعادل خود را به سود کیفیت انقلابی و نیروی خلاقه و پرشور جبهه انقلاب می‌رفت که از دست بدهد.

با شروع جنگ تحمیلی فرماندهی بنی‌صدر که سرچشمه بیشتر ضعف‌ها و مشکلات جبهه انقلاب بود، ابعاد خطرناک‌تری یافت. اخلاص در هماهنگی سپاه و ارتش، از تصفیه و پاکسازی اصولی و بازگرداندن و حمایت عوامل کودتای نوزده، احیای نظام "اریامهری"، اتخاذ سیاست تسلیحاتی ناسالم و خطرناک و به‌ویژه به خدمت گرفتن جنگ برای دسترسی به اهداف سیاسی سازشکارانه و لیبرالی خود، عمده‌ترین خیانت‌های بنی‌صدر در ارتش به‌ویژه در طول جنگ بود. با این همه بی‌بند طبقاتی پاسداران با سربازان و درجه‌داران و افسران میهن‌پرست ارتش و درهم‌آمیختن خون و آرمان انقلابی آنها در جبهه‌های جنگ تحمیلی نطفه‌های هماهنگی و یکپارچگی آنها را بارور ساخت. بطور کلی، مرحله اول جنگ، مرحله تهاجم غافلگیرانه دشمن، اشغال سمتی از نوار مرزی غرب و

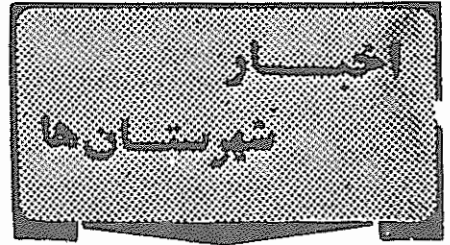
"هفته جنگ"، هفته گزشت داشت ارزش‌های غرورآفرین یک سال دفاع نیروهای انقلاب در برابر متجاوزین صدامی، برگزارد شد. در این هفته مسئله اصلی انقلاب در شرایط کنونی یعنی "جنگ" از همه زوایا و در همه زمینه‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. چه رزمندگان خط مقدم جبهه که با گسوست و پوست خود به پاسداری از میهن انقلابی‌شان مشغولند و چه ایثارگران پشت جبهه که تدارک و تقویت بی دریغ خط مقدم را بر عهده دارند و خلاصه همه آنها که جنگ مقاومت را "یک ساله" کرده‌اند، همه و همه در "هفته جنگ" به داوری یک سال حماسه و غرور نشستند. داوری ایثارها و فداکاری‌ها، توانایی‌ها و ضعف‌ها، رسالت‌های انقلاب و توطئه‌های دشمن، و در نهایت آینده جنگ و انقلاب.

بررسی مسئله جنگ از دید نیروهای مسلح یکی از پر-اهمیت‌ترین ابعاد این بررسی و داوری بود. آنچه اینک ضرورت خود را باز می‌نماید، جمع‌بندی و سپس استخراج کلی‌ترین رهنمون‌های حاصل از این بررسی یک هفته‌ای در جهت تقویت و گسترش توانایی‌های ما در جنگ مقاومت و هدایت جبهه‌ها تا دفع کامل تجاوز صدامی آمریکایی است.

دفاع قهرمانانه نیروهای انقلاب در قبایل تجاوز آمریکایی نیروهای صدام را در تداوم یک ساله خود می‌توان به سه مورد مشخص تقسیم نمود

۱- مرحله تهاجم تدارک یافته ارتش صدام و بسیج سراسری نیروهای مدافع انقلاب  
۲- مرحله سدشدن پیشروی عراق و تثبیت نیروهای مدافع انقلاب  
۳- مرحله تعرض نیروهای انقلاب و عقب‌نشینی دشمن  
ارتش جمهوری اسلامی ایران که قبل از انقلاب نیز دارای تجربه رزمی ارزشمندی نبود، جنگ را با تمام ابعادش لمس نمود. پاسداران شجاع و جان‌بر کف نیز که صدام نابودی‌شان را در جوامع و غیر کلاسیک بودنشان تصور می‌کرد جوهره انقلابی و حماسه‌آفرینی خود را در سراسر جبهه‌ها به نمایش درآوردند. جبهه‌ها تازه شکل می‌گرفت و

## مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



### هفته جنگ در سراسر ایران با موفقیت برگزار شد

هفته جنگ در شهرستان‌ها و روستاهای مختلف میهن‌مان با قدرشناسی از رزمندگان سلحشور جبهه‌ها و گرامی‌داشت یاد شهدا و مجروحین جنگ برگزار شد. هواداران سازمان در کنار توده‌های میلیونی مردم در مراسم هفته جنگ فعالانه شرکت داشتند. رفقای ما با برپایی نمایشگاه‌ها و تهیه پوستر و عکس و تراکت، امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم مزدور صدام را افشاء کردند و حماسه‌های پاسداران، سربازان و رزمندگان جبهه‌ها را گرامی داشتند. در این زمینه گزارش‌های متعددی به دست ما رسیده است. در این گزارش‌ها رفقای ما آرزو کردند که جنگ تحمیلی هرچه زودتر با پیروزی بر متجاوزین عراقی پایان یابد.

\* - در سمنان هواداران سازمان با فرستادن یک حلقه گل به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از قهرمانی‌ها و فعالیت‌های شبانه‌روزی پاسداران ستایش کردند و یاد شهدای سپاه را گرامی داشتند. این رفقا با برپایی نمایشگاه سیار در سطح شهر برشکوه مراسم هفته جنگ افزودند. پاسداران، نیروهای بسیج و پرسنل انقلابی نیز در شهر رژه رفتند. آنچه در این رژه مردمی جلب توجه می‌کرد رقص تفتک‌ها بر دوش مردم زحمتکش بود که نویدگر پیروزی آینده و پیوند هرچه بیشتر مردم بود.

### هرگام علیه خوانین یک گام بسوی میلیون‌ها روستائی است

شهرکرد - گروهی از روستائیان زحمتکش "خانی‌آباد" و "طایفه لک" از توابع شهرکرد ضمن ارسال طوماری به دفتر امام خمینی خواهایی اجرای هرچه سریع‌تر بندهای "ح" و "د" اصلاحات ارضی شده‌اند. در قسمتی از نامه‌ای که ضمیمه این طومار است روستائیان نوشته‌اند:

"بدانید هر قدر می‌که در راه مبارزه با خان‌ها برمی‌دارید، میلیون‌ها روستایی مستضعف را همراه خود می‌کنید... ما از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم که دست زورگویان و زورمداران را از سرما کوتاه کند. ما مردم فقیر، ملکی برای گشت و یا برای محافظت دام و ساخت مسکن نداریم، در حالی که این خان‌ها که بر ما مردم مستضعف حکومت می‌کنند صدها هکتار زمین دارند و زندگی ما را فلج کرده‌اند"

روستائیان به همراه نامه خود سندی را که مربوط به سال ۱۳۴۳ است، ارسال داشته‌اند

در این سند چهارتن از خوانین در نامه‌ای که برای فرمانداری نوشته‌اند، خواهان ثبت زمین‌های روستا به نفع خود شده‌اند. جالب اینکه این خوانین که پای‌بوس شاه معدوم بودند هنوز زمین‌های روستائیان را در تصرف خود دارند!

### تحويل سلاح به سپاه پاسداران فیروزآباد

در هفته‌های گذشته مسئولان و هواداران سازمان در شهرهای مختلف با مراجعه به سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی سلاح‌های خود را تحويل این مراجع قانونی داده‌اند. در فیروزآباد در تاریخ بیست و یک شهریور هواداران، بر اساس رهنمود سازمان سلاح‌های خود را که شامل چند قبضه تفنگ و کلت بود، در اختیار سپاه پاسداران قرار دادند. این اقدام با استقبال گرم پاسداران روبرو شد و به زمینه تفاهم میان نیروهای انقلابی یاری رساند. هواداران سازمان در فیروزآباد با افشای سران مزدور عشایر و خوانین و راهزنان مسلح به وظیفه انقلابی خود عمل می‌نمایند. اشرار مسلح تاکنون

چندین بار با بستن راه فیروزآباد - شیراز و غارت اموال مسافران سعی در برهم زدن امنیت منطقه داشته‌اند که با حضور به موقع پاسداران و حمله به اشرار، نقشه‌های آنان خنثی گردیده است.

### عواید مسابقه فوتبال

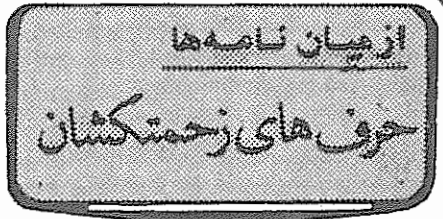
### بنفع جنگ زدگان منظور شد

گروهی از جوانان جنگ‌زده خوزستانی که به شهرکرد آمده‌اند و در این شهر تیم فوتبال تشکیل داده‌اند، اخیراً مسابقه‌ای با تیم پولادشهر اصفهان برگزار کردند. برگزارکنندگان برای تماشای این مسابقه تعدادی بلیط ۲۰ ریالی چاپ کرده بر روی آن نوشته بودند:

"بنفع جنگ‌زدگان"

پس از برگزاری مسابقه که با استقبال جوانان شهر روبرو شد، عواید آن که بالغ بر ۱۵۰۰۰ ریال بود، در اختیار بنیاد امور جنگ‌زدگان استان چهارمحال‌بختیاری قرار داده شد. ابتکار انقلابی این جوانان می‌تواند در عرصه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد.

نامه يك کارگر ساختمانی از شیراز  
ما با تمام وجود خواهان تصویب و  
اجرای قانون تأمین اجتماعی هستیم



رفقای عزیز و محترم روزنامه "کار"!

من یک کارگر ساختمانی هستم و هوادار اکثریت شما می‌دانید که کار ساختمانی که یک میلیون کارگر ایرانی بدان مشغولند، از جمله سخت‌ترین کارهاست. ما کارگران ساختمانی، جاده‌ها، ساختمان‌ها، بیمارستان‌ها و ادارت را می‌سازیم بی‌آنکه حق بهره‌گیری از یک صدم آنچه را که وجود می‌آوریم داشته باشیم. خودتان می‌دانید که ما نه ساعت کار منظمی داریم، نه دستمزد تثبیت‌شده‌ای و نه اینکه وضعیت بیمه درمانی، بازنشستگی، از کارافتادگی و خیلی چیزهای دیگرمان حساب و کتابی دارد. اینها مسائلی است که باید در یک قانون کار و تأمین اجتماعی که سزاوار زحمات کارگران و زحمتکشان باشد، منعکس گردد و هرچه زودتر به‌اجرا درآید.

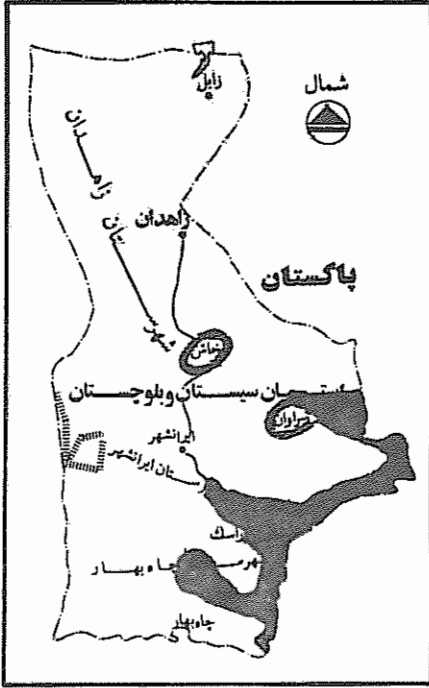
اما من در این نامه قصد بحث در مورد کم و زیاد قانون را ندارم فقط می‌خواهم توجه مسئولین را به گوشه‌بسیار مهمی از این بی‌قانونی که اکنون وجود دارد جلب نمایم و آن مسئله تأمین اجتماعی و از کارافتادگی کارگران است. می‌خواهم درباره آقا مومن، کارگر ۸۰ ساله ساختمانی برایتان بگویم. این کارگر فوتوت و رنج‌کشیده از سن ۷ سالگی شروع به کار کرده و بعد به کار ساختمانی پرداخته و حالا پس از ۲۰ سال کار ساختمانی هنوز یک کارگر ساده است در اینجا نمی‌خواهم وارد بحث "حق آموزش فنی" کارگران بشوم که اغلب کارگران از آن محروم‌اند. این آقا مومن هفته قبل موقع کار از فرط خستگی و کوفتگی از روی یک بشکه به زمین پرت می‌شود، و دسته تیشه، بینی و

چشمش را بشدت مجروح می‌کند و صورتش شکاف عمیقی برمی‌دارد. کارگران از صاحب کارخانه (سنگ‌بری مرمر) می‌خواهند او را به بیمارستان برساند، صاحب کارخانه با حالتی تحقیرآمیز می‌گوید مگر زخم شمشیر برداشته؟ هرچند کارگران با زحمت زیاد او را با ماشین سنگ‌کشی روانه شهر می‌کنند، اما از آن روز تاکنون هنوز خبری از او نداریم. منظور من تنها بیان واقعه فوق نیست، این مسئله به همین جا ختم نمی‌شود مسئله محرومیت کارگران از حداقل حقوق تأمین اجتماعی مطرح است. من بارها شاهد و ناظر بسیاری از این وقایع بوده‌ام. کارگر اسفالت‌کاری را می‌دیدم که بشکه قیر داغ رویش ریخت و در راه بیمارستان جان داد. کارگر جوشکاری را دیدم که تیر آهن روی دستش افتاد و انگشتانش قطع شد. کارگر سیمان‌کاری را دیدم که از داربست افتاد و پاهایش شکست، هرچه داشت از رادیو تا فرش زیر پایش را فروخت و خرج پایش کرد آخر هم دیگر قادر به کار نشد. هنوز خاطره فلکه ولی عصر که لوله گاز افتاد توی گودال و سه‌تا از کارگرها کشته شدند، توی ذهنم هست چقدر تقلا کردیم که لوله‌ها بلندکنیم و نجاتشان بدهیم، خاطره دیوار خیابان پیرنیا و... خاطرات رنج و مصیبت کارگران تمامی ندارد. دیگر بی‌قانونی و محرومیت بس است. ما کارگران ساختمانی با تمام وجود خواهان تصویب و اجرای یک قانون انقلابی در مورد تأمین اجتماعی زحمتکشان ایران هستیم.

با درود فراوان به خدمتگزاران و رهبران واقعی طبقه کارگر  
امضا: کارگر ساختمانی شیراز

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

## ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان



خوانین ، سران عشایر ، مولوی های مرتجع و ساواکی ها ، قاچاق فروشان عمده همراه با ضدانقلابیون فراری و به اصطلاح مجاهدین افغانی علاوه بر فعالیت در شهرها به طور عمده در طول نوار مرزی آشکارا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی مشغول توطئه اند .

این مزدوران تقریباً بدون هیچ گونه مزاحمتی به پاکستان رفت و آمد می کنند و از حمایت های بی دریغ رژیم آمریکائی ضیاء الحق نیز برخوردار هستند .

این جریان های ضدانقلابی علیرغم تفاوت در شیوه های عمل و ابزار خصومت علیه مردم و انقلاب ، در همدلی با یکدیگر و جدیت برای روی کار آوردن رژیم چپاولگر و وابسته به آمریکا بسیار مصمم اند . برخی از این ضدانقلابیون در شهرهای پاکستان بسر می برند و از طریق این کشور با سفارتخانه آمریکا و دولت های امپریالیستی اروپا تماس دارند .

عمده ترین تاکتیک ضدانقلاب در این ناحیه ، تشکیل و جمع آوری دسته های مسلح ، قاچاق مواد مخدر و کالاهای مصرفی و لوکس ، خروج ارز ، کوشش در جهت ایجاد و گسترش جو ناراضیاتی و بی اعتمادی به دولت جمهوری اسلامی ، شایعه پراکنی ، دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی بر اساس طرح خائنانه کنفرانس طائف ، اختکار و خروج مواد غذایی ، ترور و ناامنی ، ارتباط با ضدانقلابیون افغانی و ... می باشد .

### جریان های ضدانقلابی در سیستان و بلوچستان

برخی از جریان های شناخته شده ضدانقلابی که اهداف بالا را دنبال می کنند عبارتند از :

- ۱- سازمان وحدت بلوچ
- ۲- شورای مرکزی سنت ( شمس )
- ۳- حرکت انقلاب اسلامی افغانستان
- ۴- جمعیت اسلامی افغانستان
- ۵- حزب اسلامی افغانستان
- ۶- جبهه نجات ملی

۷- عناصر وابسته به گروهک مائوئیستی "شعله جاوید" با همکاری گروهک آمریکائی رنجبران زیر پوشش اسلامی بودن با سایر گروه های مزدور افغانی به شناسائی نیروهای انقلابی ایران و توطئه علیه انقلاب مشغولند .

الف سازمان وحدت بلوچ

این جریان ضدانقلابی از خوانین ، قاچاق فروشان عمده ، ساواکی ها ، مولوی نماها و با همکاری فئودال های افغانی در پاکستان

تشکیل شده است این مزدوران آشکارا از رژیم سلطنتی شاه خائن پشتیبانی می کنند . به دنبال سقوط دولت بازگان و فرار خوانین و ساواکی ها به پاکستان و شیخ نشین ها این شکل ضدانقلابی به وجود آمد که عناصر اصلی آن عبارتند از :

- ۱- میر مولا داد سردار زهی " از خوانین فراری دشتیاری
- ۲- " جما بلوچ " وی خود را سرکرده " جبهه " با اصطلاح آزادی بخش بلوچستان می داند .
- ۳- " امان الله باران ( بارکزی ) رئیس سابق بهداری سراوان
- ۴- مولوی نماهایی که با خانواده سلطنتی در مصر در تماس اند

این عناصر مزدور با کمک و همکاری " پیروز زاده جیلانی " سرمایه دار معروف پاکستان سازماندهی شده اند . وی سرکرده " یک گروه افغانی است و دسته های مسلح راهزن نظیر دسته " امان الله بنازگی " ( عنصر باقی مانده از دسته " حاج عبدال سرفروزی " جاسوس رژیم سابق و از اشرار وابسته به سران " خلیل خان کشادزی " ) باند ضربت گروه او را تشکیل می دهد . این گروه به تازگی بر سر تقسیم کمک مالی سفارت آمریکا به آنها ، با یکدیگر به نزاع پرداختند . به دنبال شهادت ۴۳ تن از عناصر زندان مرزی این مزدوران به سفارت آمریکا در پاکستان مراجعه کردند و برای گرفتن پاداش از ارباب خود سعی کردند تا این جنایت را به دسته خود نسبت دهند .

عمده فعالیت این ضدانقلابیون در اطراف جاده - راسک - چاه بهار و دشتیاری است و در کوه های اطراف سراوان و کوه سفید نیز نیروهای مزدور خود را مستقر کرده اند .

### شورای مرکزی سنت (شمس)

این جمعیت به دنبال طرح خائنانه کیسینجر و تصمیم کنفرانس طائف مبنی بر ایجاد جمهوری سنی نشین در جنوب ایران توسط عده ای از مولوی های مرتجع تشکیل شد .

دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی از جمله اهداف شورای مرکزی سنت ( شمس ) می باشد که خوشبختانه با هوشیاری مردم زحمتکش بلوچ و به دلیل افشای طرح خائنانه طائف این توطئه آمریکائی نیز ناکام مانده است .

### گروه های ضدانقلابی افغانی

از میان گروه های ضدانقلابی افغانی که اسامی

در این نقشه ضمن نشان دادن ارتباط ضدانقلابیون با یکدیگر مواکز فعالیت آنها نیز مشخص شده است .

محل فعالیت شورای مرکزی سنت ( شمس ) به ترتیب اولویت شهرهای ایرانشهر ، زاهدان ، خاش ، اطراف منجز و محل استقرار فعلی خوانین جیرفت می باشد . نقاط هاشور زده محل فعالیت دسته های مزدور است .

برخی از آنها ذکر شد ، حزب اسلامی افغانستان و حرکت اسلامی افغانستان را می توان به عنوان فعالین این گروه ها نام برد . " گلبدین حکمت یار " رهبر یکی از این گروه ها می باشد که در دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی نقش فراوانی دارد . مرکز فعالیت این گروهک های افغانی شهر زابل است .

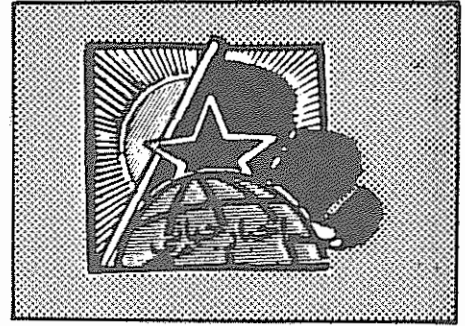
### ارتباط با ضدانقلابیون برون مرزی

خوانینی که با دیگر ضدانقلابیون برون مرزی در ارتباط اند عبارت از :

- ۱- میر محمد خان میرلاشاری
- ۲- حاج کریم بخش سعیدی ( نماینده مجلس شاه )
- ۳- امان الله باران ( امان الله بارکزی )
- ۴- جما بلوچ بوی رابط ضدانقلابیون داخلی با رژیم تجاوزگر صدام است .

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



## سیاست های ارتجاعی رهبران چین و بحران داخلی

علیرغم صحنه سازی های پرشکوه مقامات رهبری چین، درباره پیشرفت اقتصادی و دیگر شئون زندگی مردم چین، روزنامه های رسمی آن کشور گزارش هایی درباره بحران بیکاری گسترده و اغتشاش و ناآرامی در پاره ای از شهرها و استان های چین ارائه می دهد. کسری بودجه به شدت در حال افزایش است چنانکه در سال گذشته به ۱۲ میلیارد (یون) رسید، این رقم برای سال جاری نیز افزایش می یابد. سطح تولیدات صنعتی شدیداً تنزل می کند. تنها ظرف شش ماه اخیر میزان تولیدات در صنایع سنگین بیش از ۸٪ کاهش یافته است، نرخ تورم ظرف مدت فوق الذکر از ۱۰٪ تجاوز کرده و در اثر کمبود تولید برق و فقدان منابع مالی، بسیاری از واحدهای صنعتی عملاً تعطیل شده اند. اوضاع در رشته حمل و نقل با دشواری های بیشتری روبرو است. شمار بیکاران در چین به مرز ۳۰ میلیون نفر رسیده است و این درحالی است که در اثر افزایش قیمت های کالاهای ضروری از قبیل مواد غذایی، زحمتکشان چین در وضع بسیار بدی گرفتار آمده اند. قیمت کالاهای ضروری در چین بین ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافته است. در حالی که میزان وسائل نظامی یکی از جاهای عمده را در جهان به خود اختصاص داده است، از حیث هزینه های آموزشی در رده نودمین و از لحاظ مخارج بهداشتی، در مقام صدمین در عرصه جهانی قرار دارد. همه عوامل فوق الذکر در ایجاد موج نارضایتی در بین مردم چین موثر افتاده اند. گزارش هایی درباره اعتصابات کارگری و تظاهرات جوانان در شهرهای بزرگی چون شانگهای، اوخان و چند نقطه دیگر می رسد. طبیعتاً در چنین اوضاع و احوالی سیاست های توسعه طلبانه و نظامی گرایانه رهبری چین که از اصول بنیادساز سوسیالیسم علمی عدول کرده است، نقشی تعیین کننده دارد. سیاست های هژمونی طلبی و آرمان عظمت خواهانه چین در عرصه بین المللی ناگزیر به ماجراجویی رهبران یکن در عرصه داخلی می انجامد. این وقایع نه تنها اوضاع اقتصادی چین را از توسعه باز می دارد، بلکه سالها آن را به عقب باز می گرداند. واقعیت نشانگر آن است که سیاست های رهبری چین ناگزیر به خاطر خصلت واپسگرایانه خویش، شکستی فاحش خواهد خورد.

## تشدید عملیات ضد انقلابی در لهستان

براساس گزارش خبرگزاری تاس اوضاع لهستان

بر اثر عملیات ضد انقلابی اعضای مرکزی اتحادیه همبستگی همچنان متشنج و وخیم است. رهبران این سازمان و شخصیت های فاشیست ماب نطق های ایراد می کنند که جنبه علنی ضد - سوسیالیستی دارد و علیه حزب متحده کارگر لهستان متوجه است و متضمن دعوت به مبارزه موثر برای غصب حکومت است. از سوی برخی افرایون حتی ادعاهای وحشتناکی درباره ضرورت نابود ساختن کمونیست ها عنوان می شود. گزارشگر خبرگزاری تاس سپس می افزاید، رهبران ضد انقلابی چون با مقاومت شایسته مقامات کشور مواجه نمی شوند، دم به دم گستاخی بیشتری از خود نشان می دهند. انتشارات ضد شوروی همچنان در مقیاس گسترده پخش می شود.

در عین حال گزارش های خبرگزاری های جهان از لهستان حاکی از آن است که کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و دولت آن کشور همچنان نامه ها و قطعنامه هایی دریافت می دارند که متضمن خواست انجام اقدامات عملی برای قطع عملیات ضد انقلابی نیروهای ضد سوسیالیستی است. در یکی از این بیانیه ها که از سوی شرکت کنندگان در سمینارهای مارکسیستی - لنینیستی صادر شده است، گفته می شود که:

" ما امیدواریم که دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب متحد کارگر لهستان و دولت کشور با قاطعیت تمام تعرض دشمنان حزب، دولت مردمی و سوسیالیسم را دفع کند. خط مشی حصول توافق و گفتگو را به هیچ وجه نباید به خط مشی تسلیم گرایانه تشبیه کرد. لازم است از تمام وسائلی که وجود دارد برای دفاع از سوسیالیسم استفاده کرد. دیگر بس است عقب نشینی و گذشت کنیم زیرا این امر باعث می شود که دشمنان سوسیالیسم روز به روز گستاخی بیشتری از خود نشان دهند."

## در ادامه تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا

یکی از ایالات جنوبی آنگولا همچنان در اشغال رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی است. طبیعتاً در این تجاوز ضد انسانی، افراد غیر نظامی بیشتری قربانی اهداف توسعه طلبانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و مقدمات متحد قدرتمندش ایالات متحده آمریکا گشته اند. نژادپرستان آفریقای جنوبی از انواع بس های ساچمه ای، ناپالم و سلاح های شیمیایی علیه خلق آنگولا استفاده می کنند و تمام این احوالات در حالی است که واشنگتن آشکاراً به حمایت نظامی متحد خویش در قاره آفریقا اذعان داشته است. خبرگزاری آنگولا اعلام کرد که هدف واشنگتن و آفریقای جنوبی از این تجاوز، اولاً مبارزه در جهت صدور ضد انقلاب به کشورهای مترقی آفریقای و به قدرت رساندن یونیتا در این کشور و برکناری ساووپو یگانه نماینده قانونی ملت مبارز نامیبیا است. تجاوز رژیم نژادپرست پرتوریا و سرکرده امپریالیسم جهانی، ایالات متحده آمریکا به آنگولا در واقع به بهانه واهی و کهنه شده "خطر کمونیسم" خطر شوروی توجیه می گردد. در حالی که مقامات مسئول بسیاری از کشورهای دنیا علیه این تجاوز بیانیه صادر کرده اند و علیرغم اینکه سازمان ملل متحد قویاً خواستار قطع تجاوز گردیده است، کماکان، آفریقای جنوبی به تشنج فزایی در جنوب آفریقا ادامه می دهد.

## احزاب کارگری و کمونیست

### سیاست های امپریالیسم را محکوم کردند

در آتن پایتخت یونان اعلامیه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای بخش خاوری دریای مدیترانه، منطقه خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ که در ماه سپتامبر سال جاری مورد تصویب قرار گرفته است منتشر شد. در این سند ضمن ابراز نگرانی از اینکه مناسبات بین المللی در نتیجه اجرای خط مشی استراتژیک تجاوزکارانه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا به وخامت گرایده است، به خطرناک بودن نقش رهبران چین اشاره شده است که زیر پرچم آنتی سوسیالیسم از سیاست تجاوزکارانه پنتاگون و ناتو پشتیبانی می کنند. شرکت کنندگان کنفرانس مذکور خاطرنشان ساختند که قدرت فزاینده کشورهای سوسیالیستی و اعتدالی نهضت کارگری و جنبش رهایی بخش ملت ها شرایط لازم را برای مهار سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم تأمین می کنند.

شرکت کنندگان در این کنفرانس ضمن اشاره به اوضاع متشنج منطقه خاور نزدیک و خلیج فارس حوزه دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند متذکر شدند که امپریالیسم و متحدانش وضع انفجار آمیزی را در آنجا ایجاد می کنند که خطر بروز جنگ را دربر دارد و تمام پیامدهای این جنگ را مشکل بتوان پیش بینی کرد. آمریکا حوزه های دریای سرخ و خلیج فارس را متشنج ساخته، تلاش می کند انقلاب مردمی را در اتیوپی و جمهوری خلق یمن سرکوب کند. واشنگتن منطقه خاور نزدیک، اقیانوس هند و خلیج فارس را حریم مصالح حیاتی آمریکا اعلام کرده و تهدید می کند که اسلحه از جمله سلاح هسته ای در امور بکار خواهد برد. و به منظور دخالت در امور کشورهای دارای حق حاکمیت، نیروهای واکنش سریع خود را در این مناطق مستقر می سازد. امپریالیست ها، صهیونیست ها و ارتجاع کشورهای عرب میان عراق و ایران آتش جنگ را دامن می زنند.

در اعلامیه مذکور خاطرنشان گردیده است که این نقشه های خطرناک در برتو مبارزه ملت ها و جنبه پایداری و مقاومت نیروهای ترقی خواه دیگر با شکست مواجه خواهد شد. شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین حمایت خود را از پیشنهاد اتحاد شوروی درباره برگزاری یک کنفرانس بین المللی درباره مسائل خاور نزدیک اعلام داشتند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس، خاطرنشان گردیده است که جنگ عراق و ایران فقط به نفع استراتژی های آمریکا است و توجه ملت ها را از مبارزه با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی منحرف می سازد.

شرکت کنندگان در کنفرانس ضمن اعلام همبستگی با دولت و مردم انقلابی افغانستان تلاش های آنان را برای پایان دادن به تجاوز دسته های اوباشان مسلح به خاک این کشور مورد پشتیبانی قرار دادند و دخالت امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، برتری طلبان چینی، محافل ارتجاعی مانسند پاکستان و ارتجاع کشورهای عرب در امور داخلی افغانستان را محکوم ساختند.

نمایندگان این احزاب از سهم موثر و مثبت انقلاب ایران در مبارزه ملت های این منطقه علیه امپریالیسم قدردانی کردند و متذکر شدند که برای رفع خطر جنگ و خنثی کردن تلاش های امپریالیسم که می کوشد سیاست رویارویی را در پیش گیرد، لازم است اقدامات قطعی تری انجام پذیرد.

### دشمنی جمهوری اسلامی ...

بقیه از صفحه ۵

چیزی جز اسلام انورالساداتها ملکحسینها ضیاءالحقها و خوانین و سرمایه‌داران و "خلق مسلمانی" های افغانستان نیست و کاملاً در نقطه مقابل اسلامی که امام خمینی مظهر آن است و امیرالیسم جنایتکار و غارتگر آمریکا را دشمن اصلی خلفای جهان می‌داند ، قرار دارد. به همین دلیل است که تمام آنهایی که علیه انقلاب ایران داعماً توطئه می‌کنند ، ضرب‌هزدن به انقلاب افغانستان را نیز در مرکز توجه خود قرار داده‌اند . " مجاهدین افغانسی " ماری در آستین جمهوری اسلامی هستند که دیر یا زود زهر خود را در یک فرصت مناسب به کام انقلاب ما نیز خواهند ریخت . از هم اکنون باید به فکر چاره بود . نگذاریم که بیش از " اسلامی " آنها و " انقلاب اسلامی " ای که خواستارش هستند ، نباید دولت جمهوری اسلامی را بفریبند . این دامسی است که امیرالیست‌ها پهن کرده‌اند و لیبرالها و متحدین سجهانی‌شان در ایران دانه دران پاشیده‌اند . آنها تحت پوشش " اسلام " به دنبال سیاست امیرالیستی دامن‌زدن به روش‌گینه‌توزانه دولت جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های ترقیخواه جهان ، با استفاده از تجارب امیرالیستی می‌کوشیدند دولت جمهوری اسلامی را به دشمنی هرچه بیشتر با انقلاب افغانستان سوق داده و با فریاد " وا اسلاما " وحدت مردم دو کشور علیه امیرالیسم جهانی را تخریب کنند . هدف آنها همانی است که امام خمینی توصیف کرده‌اند :

" خط این بود که آمریکا اصلاً منسی ( فراموش ) شود یک دسته شوروی را مطرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود ... خط این بود که این قضیه پرگ بر آمریکا منسی بشود امروز اگرچه جبهه

### اخبار روستائی ...

بقیه از صفحه ۸

خود گرفته است . باغداران منطقه خواستار جلوگیری از این اجحافات و سودجویی‌ها و رسیدگی به مشکلات خود می‌باشند .

#### کرمانشاهان :

روستای تکیه‌اولیا از توابع شهرستان قروه واقع در استان کرمانشاهان می‌باشد . زحمتکشان این روستا مدت‌هاست که گرفتار ظلم و تعدی فئودال جنایتکاری به نام محمدخان مشرفی بوده و جان و مالشان در معرض دست‌اندازی‌های این فرد قرار دارد . فئودال مزبور لحظه‌ای از توطئه علیه انقلاب خونبار مردم ما و علیه زحمتکشان روستا خودداری نکرده و ضمن تهدید دائمی دهقانان به قتل و غارت ، از طریق ایادی و عواملش خانه‌های آنان را نیز به آتش کشیده است . زحمتکشان روستای تکیه‌اولیا ، طی نامه‌های فراوانی به حضور امام ، مجلس شورای اسلامی ، کمیسیون اصل ۹۰ ، دادگاه انقلاب و دیگر نهادها و ارگان‌های انقلابی خواستار رسیدگی به وضع خود گردیده و در انتظار آند که مسئولین جمهوری اسلامی با اجرای هرچه سریع‌تر بند " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی برای همیشه دست این فئودال جنایتکار و امثال او را از سر خود و دیگر زحمتکشان روستاهای سراسر میهن کوتاه گردانند .

پشتیبانی جهادسازندگی صادره و به زیرکشت رفت . زحمتکشان روستا با رعایت کامل روح همکاری و در سه گروه ۱۰ نفری اقدام به برداشت محصول گندم نمودند که علیرغم محدودیت امکانات و ابزار و آلات مکانیزه میزان محصول به ۳۵ تن بالغ گردید . این زحمتکشان اظهار می‌دارند اگر جهادسازندگی اندکی امکانات کشت در اختیار ما هم موقت‌تر باشیم .

#### ارومیه :

\* - باغداران اطراف ارومیه خواستار افزایش نرخ خرید سب از جانب دولت بوده و معتقدند که قیمت تعیین‌شده کنونی به زیان آنان است . همچنین مشکل دیگر این باغداران نبود سردخانه و محدودیت سرویس‌های آن است ، چرا که سرمایه‌داران مثل دوران گذشته بیشترین سهمیه سردخانه را بر اختیار خود گرفته‌اند ، بطوری که یکی از واسطه‌های معروف سب حدود ۱۵۰ تن جا در سردخانه " بهمین " متعلق به بنیاد مستضعفان را در انحصار

به نام " امید کشاورز " به خاطر دفاع از انقلاب و مخالفت با خوانین و نوکرانشان توسط ایمن ضدانقلابیون به شهادت رسید . سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داراب با پیگیری مساله موفق گردیده عاملین شهادت این دهقان زحمتکش را دستگیر و به دادگاه انقلاب سپارد . در نتیجه در تاریخ دوم شهریور ۶۰ عامل اصلی این جنایت به نام خسرو سالاری کارمند بهمداری داراب و نوکر سرسپرده خوانین در میدان تیر سپاه اعدام گردید و سه تن دیگر از خوانین هر یک به ۱۰ سال زندان محکوم شدند اهالی داراب و زحمتکشان روستای کوهجردوی ضمن حمایت از این اقدام انقلابی سپاه خواستار قلع‌و‌قمع خوانین و عوامل آنها در منطقه گردیده‌اند .

#### نقده :

\* - روستای کردنشین گیل در ۲۰ کیلومتری شهرستان نقده قرار دارد و زمین‌های آن که متعلق به زمیندار بزرگ منطقه امیر فلاحی بود با اتحاد و مبارزه دهقانان زحمتکش و

## ایجاد و گسترش همه جانبه تعاونی‌ها گامی اساسی برای تأمین منافع زحمتکشان و دهقانان و توسعه کشاورزی کشور است

بر دولت جمهوری اسلامی است که با درک حساسیت موقعیت ، خود را از این دام فاجعه‌انگیزی که امیرالیست‌ها و لیبرالها بر سر راهش نهاده‌اند ، رهانیده و به دعوت‌های صلح‌جویانه ، وحدت‌طلبانه و انقلابی دولت افغانستان پاسخ مثبت دهد . !

میان دو کشور ایران و افغانستان به عنوان گامی جدی در جهت عقیم‌گذاردن نقشه شوم امیرالیسم ، ارتجاع منطقه و تمامی جیره‌خوارانش از دستاوردهای گرانقدر - انقلابات ضدامیرالیستی - دموکراتیک دو کشور ، بیش از هر زمان احساس می‌شود .

بیش از پیش ماهیت امریکایی ارتجاعی مجاهدین به اصطلاح افغانی را برای کسانی‌هم که تاکنون از ماهیت این گروهک‌های ضد - انقلابی اطلاع نداشتند ، آشکار ساخت . بدون تردید در چنین موقعیت خطیری ، ضرورت اتحاد و همکاری ثمربخش

انورالسادات هفتت پیش رسماً اعلام داشت که مصر سلاح‌های ساخت شوروی را به مجاهدین افغانی می‌دهد و دولت آمریکا نیز حمل این سلاح‌ها را توسط هوایماهای ارتش آمریکا به عهده گرفته است . این خبر بسیار مهم که فوراً در همه جهان انعکاس یافت اما رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی ایران هیچ اشاره‌ای بدان نداشتند ،

### گسترده باد همگامی و همکاری

## همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می

### توطئه‌گر اصلی "سیا" است

با درپیش گرفتن سیاسی صحیح و مسئولانه اعضا و هواداران مجاهدین خلق را

از دام "سیا" برهانند و بسوی انقلاب جلب کنند

"ابتکار" ترور شخصیت‌های مبارز و انقلابی مسلمان، به عنوان یکی از شیوه‌های توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران به هیج وجه به رهبری ضد انقلابی "مجاهدین خلق" تعلق ندارد، بلکه متعلق به "سیا" است مدت‌ها پیش از آنکه رهبری خائن "مجاهدین خلق" نقاب از چهره برگردد و مسلحانه به مقابله با انقلاب ایران بپردازد و دست در دست دیگر احزاب "جبهه براندازی" در جهت تحقق نیت شوم امپریالیسم آمریکا، گام بردارد، گروه "فرقان" به ترور شخصیت‌های مسلمان و انقلابی پیرو خط امام روی آورده و چند تن از مسئولین جمهوری ایران چون آیت‌الله مطهری، مفتاح و سهیل‌سود قهرنی را به شهادت رسانیده بود. این گروه متلاشی شد، اما این واقعیت پراهمیت که "سیا" رهبری کننده اصلی عملیات این گروه بوده است بسیار کم مورد توجه قرار گرفت.

اسناد لانه جاسوسی آمریکا منتشر ساختند که یک روحانی که ۱۱ تن از شاگردانش هسته اصلی گروه "فرقان" را تشکیل می‌دادند، با یکی از عوامل سیا در لانه جاسوسی آمریکا، در ارتباط نزدیک بوده و با او مذاکره و مشورت می‌کرده است. متأسفانه نام آن روحانی افشا نگشت و این واقعیت حساس، بسیار زود به دست فراموشی سپرده شد حتی اکنون نیز که این شیوه جنایتکارانه بار دیگر به وسعت از جانب عوامل جبهه براندازی علیه انقلاب ایران بکار می‌رود و تاکنون بیش از ۲۰۰ شخصیت مسئول، مبارز و انقلابی را به خاک و خون کشانیده است، بررسی عملکرد گروهک تروریست "فرقان" و رهبر اصلی آن جاسویی در تحلیل‌ها و بررسی‌هایی که مساله تروریسم را نقد کرده‌اند، ندارد و آگاهانه با ناآگاهانه بر روی این پرسش که مبتکر و مبدع این شیوه ضد انقلابی و زهری کننده نخستین موج ترورها چه کسی بوده است، خط نسیان کشیده می‌شود.

شیوه بمب‌گذاری و تخریب نیز در انقلاب ایران نروش جدید است و نه "افتخار" ابداع آن به رهبری خیانتکار مجاهدین خلق "تعلق" دارد. این دود نیز از کنده سازمان جنایتکاران و

آدمکشان سرمایه‌داری جهانی یعنی "سیا" برمی‌خیزد این همان روشی است که تا بحال بارها علیه انقلاب ایران بکار رفته است. در آستانه سه توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا به منظور ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران، یعنی تجاوز نظامی طیس، کودتای نوزدهم و تجاوز نظامی لشکر صدام حسین، انقلاب ایران شاهد سه موج بمب‌گذاری و تخریب در سراسر کشور بود، که دهها تن از مردم بیگناه را به خاک و خون کشانید. در همان زمان این واقعیت که گروه‌های سازمان یافته ضد انقلاب، متشکل از ساواکی‌ها و کارشناسان اعزامی "سیا" سازمانده و مجری این اعمال جنایتکارانه هستند، از جانب بسیاری از نیروها مورد تأیید و تاکید قرار گرفت. در واقع وجود صدانقلاب سازمان یافته و گروه‌های متشکل و مجهز جنایتکاران، بسی پیش از این وقایع به اثبات رسیده بود. در همان زمان که به همت جاسوسانی جسون امیرانتظام و لبرال‌هایی چون بازگان، ساواکی‌ها، سرسپردگان رژیم مغرور پهلوی از مجازات گریختند و به فاصله کوتاهی در صفوف صدها نفری در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کردند و خواستار حقوق خود شدند، ساواک تجدید سازمان یافته، خود را چون واقعیتی تلخ و خطرناک به چشم همگان کشید. از آن به بعد بارها و بارها عملکرد این تشکیلات زبرزمینی توطئه و ترور و تخریب در پیوند با توطئه‌های براندازی، حضور آن را عیان ساخت. آمادگی ضدانقلاب سازمان یافته در آستانه تجاوز نظامی طیس، کودتای نوزدهم و حرکات معین آن، اعتراف مقامات آمریکایی در این مورد که قرار بوده است در صورت موفقیت طرح، گروه‌های متشکلی در داخل به متجاوزین و

کودتاچیان پاری رسانند، همه و همه هشدار می‌توان دهنده بودند. اخبار موثق از مراکز ضد انقلابی در خارج از کشور حکایت از آن می‌کرد که گروه‌های متعدد ضدانقلابی، توسط کارشناسان "سیا" آموزش می‌بینند و برای خمبرابکاری، ترور و بمب‌گذاری به ایران اعزام می‌شوند. یکی از این گروه‌ها که بخشی از آن چند ماه پیش از حوادث خرداد ماه ۶۰، دستگیر شدند و بخش بزرگتری به همت فخرزاده و کشمیری‌ها گریختند، گروه صیدگذار سلطنت طلب "پاریس" بود که چند تن از عوامل آن همین جنیدی بیس تیرباران شدند. اخبار مرکز ضدانقلابی خارج از کشور همچنین حکایت از آن داشت که تعدادی کارشناس بمب‌گذاری و تخریب نیز به همراه گروه‌های خرابکار و جاسوسان "سیا" به ایران گسیل شده‌اند. جنایتکاران صدامی نیز در این ارکستر هماهنگ کشتار و تخریب و انفجار جای ویژه داشتند. آنها نه فقط شهرهای خوزستان و کردستان را با موشک‌ها و راکت‌های خود ویران می‌کردند، بلکه همچنین عوامل خود را برای بمب‌گذاری و تخریب به قلب کشور گسیل می‌داشتند. در سال گذشته فاش شد که رژیم صدام حسین، مزدوران خود را همراه اتوموبیل‌هایی که در آنها مواد سفحره حاسازی شده است، به گوشه و کنار کشور فرستاده است، تا این اتوموبیل‌ها را در نقاط بحر جبهت سفجر سازند. یکی از همین اتوموبیل‌ها در نزدیکی میدان نیواران منفجر شد و چند تن را کشت. چنین نیروی سازمان یافته خطرناک و مجهزی که مستقیماً توسط جاسوسان "سیا" هدایت و رهبری می‌گشت و بطور عمده دست‌نخورده باقی مانده بود، در آستانه

### جایگاه و نقش واقعی

### مجاهدین خلق در

### توطئه امپریالیسم آمریکا

بخش بزرگی از اعضا و هواداران "مجاهدین خلق" تصور می‌کنند که رهبر و سازمانده توطئه براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران آنها هستند و دیگران از باند بنی‌صدر گرفته تا امپریالیسم فرانسه و آمریکا و دیگر دشمنان کینه‌توز انقلاب ایران، جز فریب‌خوردگانی که راه دست‌یابی "مجاهدین خلق" به قدرت را هموار می‌کنند نبوده و نیستند. متأسفانه این وهم خطرناک نه فقط در میان این گروه از فریب‌خوردگان رواج دارد، بلکه برخوردی که "مجاهدین خلق" را به عنوان دشمن عمده جمهوری اسلامی ایران می‌پندارد، متأسفانه بر موصوع و عملکرد بخش بزرگی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز مسلط است. باید در همین جا افزود که دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی که مستقیماً توسط "سیا" کنترل

و هدایت می‌شوند، نیز با تمام نیرو می‌کوشند تا همین برداشت و وهم را رواج دهند و تثبیت کنند! پیش از پرداختن به علل برخورد فوق‌الذکر که خطرات جدی برای انقلاب ایران دربر دارد، لازم است که چند نکته مهم را متذکر شویم: نخست آنکه شکست بنی‌صدر و سقوط آن که به نیروی عظیم توده‌های انقلابی و مردم و درایت و قاطعیت رهبری انقلاب صورت گرفت، تنها طرح‌های قدرت طلبانه رهبری ضد انقلابی "مجاهدین خلق" را به شکست و ناکامی نکشانید، بلکه مهمتر از آن شکست بزرگی برای امپریالیسم آمریکا و ایادی آن و غارتگران داخلی بود. از این پس توطئه براندازی امپریالیسم علیه انقلاب ایران وارد مرحله جدیدی شد. این توطئه خطرناک ابعاد گوناگونی دارد که تنها یک بعد آن را که خطرناکترین آنها نیز هست، و ترور و بمب‌گذاری و کشتار مسئولین تشکیل می‌دهد. تدارک تجاوزهای جدید و پشتیبانی گسترده‌تر از تجاوز لشکر صدام حسین، توطئه اقتصادی جهانی و تنگ کردن حلقه محاصره اقتصادی بسه دنبال آن تشدید خرابکاری اقتصادی سرمایه‌داران و غارتگران داخلی، تشدید تبلیغات خشونت‌آمیز در عرصه جهانی و فعالیت‌های تبلیغاتی و فطوری تیره کردن روابط میان ایران انقلابی و دوستان و پشتیبانان انقلابی ایران و تلاش برای تشدید اختلاف و نفاق بین نیروهای انقلابی در صحنه بین‌المللی، از جمله ابعاد دیگر توطئه جدید می‌دهند. خلاصه کردن تمامی ابعاد این توطئه در ترور و بمب‌گذاری و نادیده گرفتن دست آشکار امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب سازمان یافته در این اعمال و منحصر دانستن آنها به "مجاهدین خلق" اشتباه بزرگی است که کمتر از آن به فراوانی سیردن توطئه‌گر اصلی است. دوم آنکه "مجاهدین خلق" یکپارچه نیستند و از گروه بزرگی از جوانان گمراه، ناآگاه و ساده‌دل که تصور می‌کنند در جهت تحقیق آرمان‌های والای حنیف‌نژادها عمل می‌کنند،



بقیه از صفحه ۱۶

# توطئه‌گر اصلی ...

ز کنار قدرت طلبان و خائنینی چون رجوی ، و عوامل " سیا " چون " برادر مجاهد " ! معزی و دیگران تشکیل یافته است . سعادت‌ها نمایندگان گروه نخست و رجوی‌ها - خیابانی‌ها و کلاهی‌ها و کشمیری‌ها ، نمایندگان گروه دوم اند . سیاست صحیح ، مسئولانه و انقلابی باید نمایز کیفی میان این دو گروه را در نظر گیرد . و ضمن منفرد ساختن ، افشاء کردن ، کشف و سرکوب گروه دوم ، گروه کثیر نخست را به سطح سعادت‌ها ارتقاء دهد و به سوی انقلاب جلب کند .

ز کنار قدرت طلبان و خائنینی چون رجوی ، و عوامل " سیا " چون " برادر مجاهد " ! معزی و دیگران تشکیل یافته است . سعادت‌ها نمایندگان گروه نخست و رجوی‌ها - خیابانی‌ها و کلاهی‌ها و کشمیری‌ها ، نمایندگان گروه دوم اند . سیاست صحیح ، مسئولانه و انقلابی باید نمایز کیفی میان این دو گروه را در نظر گیرد . و ضمن منفرد ساختن ، افشاء کردن ، کشف و سرکوب گروه دوم ، گروه کثیر نخست را به سطح سعادت‌ها ارتقاء دهد و به سوی انقلاب جلب کند .

این واقعیتی است که علیرغم اهمیت عظیم خود تا بحال مورد توجه جدی قرار نگرفته است .

## از دام "سیا" بپرهیزید

متأسفانه به این حقایق تکان دهنده که حتی افشاء گه‌شهای از آنها بی‌سبب از شدیدترین مجازات‌ها و شدت عمل‌ها هواداران ناآگاه رهبری جنایتکار " مجاهدین خلق " را که اکثریت شکننده " مجاهدین خلق " را تشکیل می‌دهند ، بیدار می‌سازد و از دام دشمن برحذر می‌دارد تاکنون بذل توجه جدی نشده است .

متأسفانه ما اکنون شاهد آن هستیم که سکوت درپاره مجرم اصلی یعنی " سیا " با عملی به همان اندازه

زیان‌بخش ، یعنی تاراندن خشونت علیه هواداران " مجاهدین خلق " که در عملیات تروریستی ، بمب‌گذاری آتش‌سوزی و تخریب شرکت ندارند ، توأم گشته است . چنین برخوردی که علیرغم توصیه‌های اکید رهبر روشن بین انقلاب ، از جانب نیروهای قشری دامن زده می‌شود ، نتیجه‌ای جز کشاندن این جوانان گمراه به عمیان‌گری و در نتیجه گسترش و ادوآم هرج و مرج و تشنج که هدف " سیا " است ، ندارد .

تروریست را با هوادار غیر فعال به یک جوب راندن ، دانش‌آموزان هوادار " مجاهدین خلق " را از مدرسه بیرون کردن اعمال مجازات‌های شدید علیه کسانی که به اقدامی عملی علیه انقلاب دست نزده‌اند و از طرف دیگر

سکوت در قبال افشای توطئه‌گران اصلی ، جز به زبان انقلاب ایران تمام نمی‌شود .

انقلاب ایران را می‌گذرانند حساسی را می‌گذرانند توطئه‌های عظیم در راه است . امریالیسم آمریکا با تمام نیرو نقشه انهدام جمهوری اسلامی ایران را در سر می‌پروراند . برای مقابله با این توطئه‌های خطرناک ، باید سیاستی مقبولانه و مسئولانه در پیش گرفت که حداکثر نیروهای ممکن را در جانب انقلاب نگهدارد و متحد سازد . و حداکثر نیروهای بالقوه خصم را بی‌طرف سازد یا به جبهه انقلاب سوق دهد .

روشی که اکنون در مورد اعضا و هواداران ساده " مجاهدین خلق " بکار می‌رود ، خلاف چنین سیاست صحیحی است .

بقیه از صفحه ۱۱

# آموزش‌های یکسال ...

" به نفع جبهه انقلاب بر می‌خورد . عراق که در هوا ریا با مقاومت دلیرانه بدگان ایران مواجه شده ، اینک در زمین نیز ش به یاس مبدل می‌شود . با این همه پیروزی‌های این لکه تعیین‌کننده نمی‌شود و جبهه‌ها نیاز کاربست به‌های خلاق‌تری از نبرد رویارویی با نیروی زرهی لم عراق قوت می‌گیرد . به تاکنون بدست آمده بیت کامل نیروهای انقلاب همه جبهه‌هاست . برای فن پایدار و پاکسازی دشمن کت دیگری ضرورت می‌یابد طه سوم جنگ در چنین شرایطی آغاز می‌گردد .

کاربست تجربیات ارزشمند ش‌ماه جنگ منظم و نامنظم با نبرد توپخانه ، ایجاد روابط سیاسی تسلیحاتی هرچند محدود با برخی دوستان جهانی انقلاب ، تحکیم متداوم پیوند انقلابی سپاه و ارتش و رشد آگاهی سیاسی رزمندگان بار دیگر تعادل موجود رابه سود جبهه انقلاب برهم می‌زنند و سرانجام در عرصه سیاسی حذف بنی‌صدر از حاکمیت و شکست توطئه‌های ضدانقلاب و لیبرال‌ها برای تحت‌الشعاع قرار دادن مسئله جنگ ، بر این تفوق جبهه‌ها می‌افزاید . پیشروی تدریجی درهمه جبهه‌ها آغاز می‌گردد .

و رفع این نارسایی‌ها در زمینه‌های مختلف تسلیحاتی ، فرهنگی و سیاسی ضامن پیروزی نهایی ما در جنگ تحمیلی و دفع سایر توطئه‌ها و تجاوزات نظامی ، سیاسی امریالیسم و ایادی مرتجعین در منطقه خواهد بود . حذف خط سیاسی بنی‌صدر به هیچ‌وجه با محو کامل زمینه‌های این خط در نیروهای مسلح همراه نبوده است جبهه‌های ما همچنان از سیاست ناسالم و خطرناک تسلیحاتی که بنی‌صدر از بنیان سرسخت آن بود ، رنج می‌برد . تهیه تجهیزات و تسلیحات از دلالات بین‌المللی که متأسفانه فرمانده جدید نیروی هوایی آن را به عنوان تنها راه چساره می‌دید ، بارها خطرات و ضربات سیاسی و اقتصادی خود را در جریان‌های سرقت ۵۷ میلیون دلار و تبلیغات

پیروزی‌های مستمر در جبهه‌های شوش ، دارخوین ، سومار ، و سپس فتح ارتفاعات الله‌اکبر ، و گامیشان آزادسازی منطقه دهلاویه و جبهه استراتژیک آبادان - ماهشهر و ... و بالاخره پیروزی تعیین‌کننده آبادان در ماه جاری ادامه طبیعی روند رو به گسترش تحکیم و پیروزی انقلاب در قبال این بخش از توطئه‌های امریالیسم و ارتجاع منطقه را در چشم‌انداز مهین انقلابی‌مان قرار داد .

ضعف‌ها و نارسایی‌های عمده و جدی موجود در جبهه‌ها که متأثر از زمینه‌های اصلی خود در متن انقلاب از ابتدا تا کنون در سطوح متفاوت وجود داشته ، اینک می‌تواند و باستی پیش از هر زمان دیگر برای حرکت پیروزمندانسه جبهه‌ها تا پیروزی نهایی مورد توجه قرار گیرد . شناخت

بقیه از صفحه ۹

# خواستار خلع پد از ...

در راس آنان آمریکای جنایتکار را خنی نمایند .

\* ۲ - ما بدین وسیله نفرت و خشم انقلابی خود را از توطئه‌های ترور و انفجار که توسط منافقین کوردل و شکست خورده انجام می‌گیرد اعلام داشته و تأکید می‌کنیم که این‌گونه اقدامات خائناند هرگز تزلزلی در بادامه راه شهیدان در ما به وجود نخواهد آورد .

\* ۳ - ما مسئولین و دست اندرکاران جمهوری

استلامی را از خودمان دانسته و با تمام قوا از آنها در جهت پیاده نموده قوانین مترقی اسلام ، حمایت می‌نمائیم .

\* ۴ - به فرموده امام مسئله اصلی ما امروز جنگ با متجاوزین و مزدوران آمریکا است . و بدین وسیله آمادگی خود را جهت حمایت بی‌دریغ مادی و معنوی از رزمندگان پرتوان جبهه‌ها ، و همچنین برادران و خواهران عزیز جنگ‌زده

و می‌شود می‌باشیم .

\* ۷ - ضمن تقاضا از دولت مکتبی در اجرای هرچه زودتر طرح مراکز خدمات روستائی و عشایر به وسیله جهاد سازندگی خواستار ایجاد و گسترش تعاونی‌های اسلامی توسط شوراهای اسلامی روستائی به منظور کوتاه نمودن دست واسطه‌ها و محترکین سودجود می‌باشیم .

\* ۸ - ما بر اساس رهنمود فقیه عالی‌قدر آیت‌الله مشکینی از دولت جمهوری اسلامی خواهان تعیین حقوق باننشستگی برای روستائیان از کارافتاده می‌باشیم .

\* ۹ - ضمن حمایت از روحانیت مبارز و متعهد از این برادران می‌خواهیم که بیش از پیش جهت نشر فرهنگ اصیل اسلام به روستاها هجرت نمایند .

\* ۱۰ - ما خواستار اجرای هرچه سریع‌تر اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد مصادره اموال نامشروع سرمایه‌داران و مالکین بزرگ می‌باشیم .

\* ۱۱ - و ما پشتیبانی خود را از طرح جبهه متحد اسلامی صدامیریالیستی ، ضد ضهیونیستی وزارت امور خارجه در راه نجات و رهائی قدس عزیز اعلام می‌داریم - والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین .

بمناسبت سانحه سقوط هواپیمای ۱۳۰-۳

یاد فرماندهان شهید جبهه‌های مقاومت گرامی باد

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) شهادت سرلشکر فلاحی ، سرتیپ نامجو ، سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز را طی تلگرامی به امام خمینی تسلیت گفت .

شهادت فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شهدا کلاهدوز تیمسار نامجو ، تیمسار فکوری و تیمسار فلاحی به ویژه در شرایطی که مردم ما سرگرم پیکار عادلانه خویش علیه تجاوزات رژیم صدام و امپریالیسم آمریکا هستند ، ضایعات ناگوار و ناسف‌آور بود . شهادت آنان که از فرماندهان طراز اول نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بودند ، و به ویژه در جریان جنگ مقاومت یک ساله اخیر تجارب گرانبهایی اندوخته بودند ، بدون تردید نیروهای انقلاب و همه میهن‌پرستان را آندوهگین و رژیم صدام و همه دشمنان انقلاب را خوشحال ساخت .

ما ضمن بزرگداشت تلاش‌های شبانه‌روزی این فرماندهان که در جریان مقاومت یک ساله خلقمان علیه تجاوز صدام ، بسیار چشمتیر و درخور ستایش بود بهجا و لازم می‌دانیم که بر تلاش‌های یک ساله اخیر فلاحی و شهادت او در راه

میهن لحظه‌ای مگ کنیم . فلاحی از آن دسته افسرانی نبود که از دل انقلاب حوسیده‌باشد ، به عکس او تا آخرین لحظات انقلاب میهن به در صف انقلاب که در برابر آن بود با این همه انقلاب شکوهمند خلقمان و امواج خروشنده مبارزه عادلانه توده‌ها و نیروهای مسلح انقلاب ، توانایی و استعداد او را به خدمت گرفت و از او انسانی ساخت در خدمت انقلاب .

ما از هنگام آغاز جنگ تحمیلی ، از هنگامی که رزمندگان فدایی در کنار پاسداران و نظامیان و دیگر

نیروهای رزمنده علیه تجاوز رژیم صدام به‌یکبار برخاستند فلاحی را نیز سرسبازی بی‌دانشیم که در کنار ما و هم‌دوش با خلق ما علیه تجاوز می‌جنگد . این فلاحی دیگر آن فلاحی که هم‌ردیف علوی‌ها و باقری‌ها به حساب می‌آمد ، نبود . انقلاب از او اساسی در خدمت انقلاب و مردم ساخته بود . از این رو بود که طراز شهادت تیمسار فلاحی نیز به‌همان گونه‌ای عتافت خدیم که از شهادت کلاهدوز ، نامجو و فکوری . آری انقلاب قدرتی بی‌شکست‌انگیز دارد که هرگاه آگاهانه این قدرت اعجاز‌آور

می‌تواند حتی نیروهای مخالف را در خدمت خلق و در خدمت انقلاب درآورد . آنها باید مسئولانه به این سؤال پاسخ دهند که چرا وقتی انقلاب می‌تواند از فلاحی‌ها ، سربازانی در خدمت توده‌ها بسازد ، نباید بتواند با ارشاد هزاران نوجوان فریب‌خورده ، از آنها انسان‌هایی در خدمت مردم و انقلاب بسازد ؟ چرا جمهوری اسلامی به جای تلاش در جهت ارشاد صدها و هزاران جوان صادق و برشوری که فریب خیانت رنج‌جوی و بی‌صدر را خورده‌اند ، می‌بایست آنان را به جوخه اعصاب انقلاب ما آتقدیر قدرت در خود سراغ ندارد که از این سوجوانان ، مردان و زنان متعهد و مسئول فردای ایران را بسازد ؟ زندگی تیمسار فلاحی شهید و امثال او زندگی هزاران ویتنامی که در روری مخالف انقلاب بوده‌اند و امروز در خدمت انقلابند پاسخ سؤال فوق را بیش‌از پیش داده است .

امپریالیسم امریکا و متحدانش

از اقتساب بمباران انبار نفتی کویت به ایران چه هدفی را تعقیب می‌کنند ؟

روز پنجشنبه ۹ مهر ، درست در لحظاتی که نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران درجبهه‌های جنوب ، ضربات کاری خود را بر نیروهای تجاوزگر رژیم صدام وارد می‌آوردند ، رسانه‌های گرومی وابسته به امپریالیسم کارزار تبلیغاتی جدیدی را آغاز کردند . اخبار بمباران انبارهای نفتی شمال کویت و سپس اقتساب این بمباران به جمهوری اسلامی ایران تیرهای مهم خبری بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم را اشغال کردند . الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا بلافاصله طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که آواکس‌های آمریکایی مستقر در عربستان تشخیص داده‌اند که این حمله به وسیله ایران انجام گرفته‌است . و هم‌زمان با آن رژیم‌های مرتجع منطقه یکی

پس از دیگری حمایت خود را از کویت اعلام کردند . از اولین لحظات انتشار این اخبار و موضع‌گیری‌های در رابطه با آن در معز هر مبارز ایرانی که در راستای تعمیق انقلاب می‌کوشد و هر انسان ترقی‌خواهی که در عرصه نبرد ضدامپریالیستی خود را متعلق به جبهه انقلاب می‌داند ، زنگ خطر ترفند جدیدی از طرف امپریالیسم و متحدانش به صدا درآمد .

براستی امپریالیسم آمریکا که برای حفظ منافع غارتگرانه خود سیاست جعل خبر ، عمده‌کردن مسائل فرعی ، کتمان کردن و سکوت در قبال بسیاری از رویدادهای مهم و حیاتی جهان و هزاران تاکتیک ردیلانه دیگر را به خدمت گرفته و می‌گیرد ، از اقتساب بمباران انبارهای نفتی شمال کویت به ایران در بی کدام توطئه و نیرنگ

تازه‌است ؟ از آن هنگام که حرفه‌های انقلاب ایران به آتشی سوزان فراروشد و سوده‌های کلان انحصارات امپریالیستی را به باد سیرد ، مسئله "حفظ مناطق حیاتی آمریکا " و این بار حفظ این مناطق در خاورمیانه ، در چهارچوب تبلیغات امپریالیستی آهنگی پرستش و جهره‌ای کاغذی جدید به خود گرفت . امپریالیسم آمریکا یکی از ستون‌های اصلی تسلط خود بر منطقه ، شاه این سگ پاشیمان منافع خود را در اثر انقلاب ایران از دست داده بود و این مسئله سرچشمه اصلی مخاطراتی بود که منافع آزمندانه امپریالیسم را به طور جدی تهدید می‌کرد . بنابراین استراتژیست‌های کاغذ سفید می‌بایست برای حفظ جاه‌های نفتی‌ای که سرمایه‌داران گسردن کلفت آمریکایی آنها را مایملک آبا

و احداتی خود ! می‌دانند حیل‌های جدید طرح نمایند . و بدین ترتیب در اوضاع و احوالی که امواج انقلاب ایران در داخل و در سطح منطقه بلندای تازه‌ای می‌یافت توطئه‌های بی‌دری به اجرا درآمدند . استراتژی امپریالیسم آمریکا و متحدانش در عرصه داخلی انقلاب ایران به طور فشرده در این سخن ریگان که دولت فعلی باید برود نمودار شده است . و اجرای آن نیز در مراحل گونه‌گون با اشکال و شیوه‌های خاص تعقیب شده است .

اما اشتباه خواهد بود اگر مسئله افزایش حضور نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و خاورمیانه ، ایجاد نیروهای واکنس سریع و استقرار آنها در منطقه تسلیح رژیم‌های مرتجع و حامی امپریالیست همچون عربستان سعودی ، پاکستان و عمان

بقیه در صفحه ۱۹

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

### سومین رئیس جمهور

### حکومت قانون و...

اسلامی ایران در شناخت جبهه جهانی ضدامپریالیستی دستخوش توهمات و تناقضات دردناکی است.

انقلاب ایران جزئی از روند انقلاب جهانی است، جمهوری اسلامی ایران به جبهه جهانی ضدامپریالیستی تعلق دارد. جبهه جهانی ضدامپریالیستی محصول تاریخی مبارزه خلق‌های سراسر جهان علیه استعمار و استثمارند و علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است. این جبهه از همه جنبش‌های اصیل ضدامپریالیستی، از رژیم‌های ضدامپریالیست جهان، از تمامی کشورهای سوسیالیست جهان و از جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری جهان تشکیل یافته است. نیرومندی جبهه جهانی ضدامپریالیستی که در کانون آن کشورهای سوسیالیست جهان قرار دارند عامل قاطعی در خنثی ساختن توطئه تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا جنایتکار علیه جنبش‌های آزادیبخش و انقلابی سراسر جهان است. پیوند استوار و بدون خدشه جمهوری اسلامی ایران با جبهه جهانی ضدامپریالیستی بزرگ‌ترین تضمین برای حفظ استقلال سیاسی و دستیابی به استقلال اقتصادی است. تجربه تمام کشورهای جبهه پایداری، همه دولت‌های ضدامپریالیست و همه کشورهایی که پس از انقلاب کبیر اکثر به سوسیالیسم دست یافته‌اند، مؤید این حقیقت است. کمک بی‌دریغ و هم‌پاری سیاسی و اقتصادی نظامی و فرهنگی کشورها و دولت‌های جبهه جهانی ضدامپریالیستی به جمهوری اسلامی ایران، انقلاب ما را قادر

وجه به معنی فراموش کردن پیکار در عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک برای تأمین صلح پایدار نیست، متأسفانه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه دارای کمبودها و نارسائی‌های جدی بوده است، به طوری که رژیم تجاوزگر صدام و محافل امپریالیستی و ارتجاعی جهان توفیق آن‌را یافته‌اند که اذهان بخش‌های وسیعی از مردم جهان را نسبت به نیت صلح‌طلبانه و عادلانه نبود ما مخدوش نمایند.

با توجه به سوابق حجت‌الاسلام خامنه‌ای در وزارت دفاع و شورای عالی دفاع، ما امیدواریم که پیکار حق‌طلبانه خود را با تجاوزگران در تمام عرصه‌ها با پیروزی به فرجام رسانیم. مردم جهان بیش از پیش باید بدانند که ما در حال دفاع از سرزمین و انقلاب خود هستیم و رژیم صدام جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه‌ای را بر مردم ما تحمیل کرده است.

در این هفته خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند که رژیم صدام آماده است بدون هیچ‌گونه قید و شرطی با مصلح کند. ما بدون آن که نسبت به ادعاهای صلح‌طلبانه دروغین صدام دلخوش باشیم باید بار دیگر به همه جهان اعلام نمائیم که ما خواهان صلح پایدار در منطقه هستیم و در صورت خروج سربازان متجاوز عراقی از سرزمین‌مان از صلح پایدار دفاع می‌کنیم. ما بار دیگر باید اعلام نمائیم که جنگ برای مردم ما و عراق مصائب بی‌شماری به همراه داشته است که تنها امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم‌های ارتجاعی منطقه خواستار ادامه آن هستند. ما هم صدا با آقای خامنه‌ای به همه محافل صلح طلب جهان اعلام می‌کنیم:

"بسیار خوب! شما با ما هم صدا شوید که متجاوز از خاک ما بیرون برود تا بعد راجع به صلح بحث کنیم. ما که جنگ طلب نیستیم، آتش افروز نیستیم."

خواهد ساخت که با گام‌های استوار راه تعمیق و تعالی را بپیماید.

این اندیشه ارتجاعی که گویا جمهوری اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی، فرهنگی و نظامی در جهان هیچ دوست و متحدی نمی‌تواند داشته باشد، اندیشه‌ای برای درهم شکستن انقلاب‌ماست که از جانب محافل امپریالیستی، سرمایه‌داری و مائوئیست‌های متحد آن، تبلیغ و ترویج شده است. تمام کشورهای جبهه جهانی ضدامپریالیست در حفظ استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما، به اندازه حفظ استقلال‌همه‌جانبه میهن خود ذینفعند. تجربه همه دولت‌های ضدامپریالیست اثبات کرده است که تا چه پایه تز ارتجاعی و امپریالیستی "دو ابرقدرت" ساخته و پرداخته امپریالیست‌ها و مائوئیست‌های متحد آنان برای تداوم سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر خلق‌های سراسر جهان است.

جمهوری اسلامی ایران می‌باید با تحکیم پیوندهای خود با جبهه جهانی ضدامپریالیستی و با بهره‌گیری از امکاناتی که در این کشورها و در رأس آن کشورهای پیشرفته سوسیالیستی وجود دارد، درهای کشور را بر روی "خیرات و برکات" آنان بازگشاید.

### جنگ مساله اصلی است

اکنون بیش از یک سال از جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام که به تشویق و تحریک امپریالیسم آمریکا بر مردم ما تحمیل شده است می‌گذرد. مقاومت حماسه آفرین مردم و دفاع میهن‌پرستانه نیروهای مسلح، تجاوز آمریکائی - صدامی را به طرف شکست قطعی توطئه صدامی - آمریکائی سوق می‌دهد. ما برای دفع تجاوز و در دفاع از میهن و انقلاب ایران به نبرد تا پای جان با تجاوزگران ایستاده‌ایم این به هیچ

### امپریالیسم آمریکا و...

لی تمامی خلق‌های منطقه تهدید می‌نماید. ما در شماره قبلی نشریه را ابعاد این توطئه‌ها را به طور مفصل توضیح داده‌ایم؛ اینک نیازی به تکرار آن می‌بینیم. تنها لازم است شاره کنیم که هرگاه تبلیغات خیر امپریالیستی را در استای این طرح‌های امپریالیستی بررسی نمائیم، م‌خروس از پس قیای یادی امپریالیسم بیرون افتد قصد محافل امپریالیستی انتساب این بمباران به زان نجات صدام از بهست و جلب متحدان زه‌ای برای او است.

از جنبه خارجی این ملیفات خواستار آن است. اوضاع منطقه را بی‌ثبات و آرام جلوده داده و به این بهانه نیروهای نظامی

می‌نماید.

موضع گیری وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و سایر مقامات جمهوری در قبال این توطئه جدید امپریالیسم و افشای مقاصد امپریالیسم از این تبلیغات توانست تا حدود زیادی در نشان دادن واقعیت مسئله مؤثر افتد. از جمله در بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی آمده است:

توطئه‌های امپریالیسم که علیه مصالح منطقه‌است و یکی پس از دیگری در دست اجرا است، جدا از یکدیگر نیستند و هدفشان این است که اولاً جمهوری اسلامی ایران را به‌زانو در آورند و ملت‌ها را از حمایت این انقلاب بزرگ بدور کنند و در ثانی می‌خواهند پایه‌های سلطه خویش را که با این انقلاب شکوهمند به لرزه درآمده است مستحکم کنند و رژیم غاصب اسرائیل، دست پرورده خویش در منطقه را وجهه‌قابل قبولی بخشند. در پی این اهداف شیطانی است که مخازن نفت کویت را

بمباران می‌نمایند تا موجودیت آواکس‌ها را در عربستان و تقویت نظامی رژیم‌های وابسته را توجیه نمایند و مراکز جاسوسی خود در منطقه را وجهه صلح‌جویانه و عمل‌دوستانه نمایانند. این موضع گیری به درستی برده از چهره توطئه‌گری امپریالیسم فرو می‌افکند ولی به اعتقاد ما تنها می‌تواند موضعی تدافعی و افشاگرانه در قبال امپریالیسم آمریکا و متحدانش باشد. برای آن‌که از این موضع به موضعی تهاجمی عبور کنیم طرح برنامه عدم حضور نیروهای نظامی خارجی در خلیج فارس برای انقلاب خلق‌های منطقه ضرورتی حیاتی دارد. این طرح که در سخنرانی لغوئید برژنف در پارلمان هند در آغاز سال مسیحی جاری عنوان شد طرحی است که یک تهاجم همه جانبه به مواضع نظامی امپریالیسم در منطقه خلیج فارس را دنبال می‌کند و اهداف تجاوزگران امپریالیسم را به خوبی برملا ساخته و نیروهای خلق‌ها را

برای رویارویی با امپریالیسم چندین برابر می‌کند. طرح این مسئله که حفظ منافع حیاتی خلق‌ها و کشورهای منطقه تنها به وسیله خود ایمنی خلق‌ها و کشورها انجام گیرد، طرح این مسئله که نیروهای خارجی، منطقه را ترک نمایند (اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اجرای آن بارها اعلام داشته و تاکید کرده که این کشور هیچ پایگاهی در منطقه نداشته و ندارد) و اتحاد خلق‌های منطقه برای اجرای آن آنهم در شرایطی که جبهه صلح‌طلبانه و اردوگاه نیرومندان انقلاب جهانی نیروی قدرتمندی را برای اجرای آن در اختیار دارند می‌تواند و باید یکی از ارکان اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گیرد. تنها از این طریق است که می‌توان نقش فعال و کارساز در مقابل تهاجمات امپریالیستی ایفا نمود، نقشی که باید در اتحاد کامل با جبهه انقلاب منطقه و جهان اجرا شود.

بمناسبت سی و ششمین سالگرد تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی

# فدراسیون سندیکائی جهانی دژ استوار مبارزه کارگران در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی

در صفحه ۶

## دشمنی جمهوری اسلامی با انقلاب افغانستان تناقض بزرگ انقلاب

● بر دولت جمهوری اسلامی است که با درک ماهیت ارتجاعی دشمنی با انقلاب افغانستان که آن را با امپریالیسم آمریکا و رژیم آمریکایی ضیاءالحق درجبهه واحدی رو در روی انقلاب و مردم افغانستان قرار داده است، به دعوت‌های صلحجویانه، وحدت‌طلبانه و انقلابی دولت افغانستان پاسخ مثبت دهد. !  
در صفحه ۵

بمناسبت سانحه سقوط هواپیمای ۱۳۰-۷

## یاد فرماندهان شهید جبهه‌های مقاومت گرامی باد

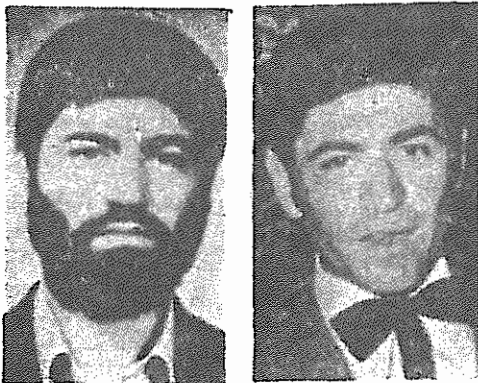
● کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهادت سرتیپ فلاحی، سرتیپ نامجو، سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز را طی تلگرامی به امام خمینی تسلیت گفت.  
در صفحه ۱۸

## رفقای ما را از زندانهای تبریز و سایر شهرستانهای کشور آزاد کنید

### توضیح به هواداران

از آنجایی که اخیراً عده‌ای از رفقای عضو و هوادار سازمان در شهرستان‌های مختلف بازداشت شده‌اند، بدین‌وسیله از کلیه رفقای سازمانی و هواداران موکدامی خواهیم که آسایبی و مشخصات رفقای دستگیر شده (اسم، تاریخ دستگیری، دلایل دستگیری، شهر، محل دستگیری) را بلافاصله جهت اقدامات مقتضی برای ما ارسال دارند.

علیرغم مواضع بسیار روشن و قاطع سازمان ما در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و علیرغم شرکت فعال فدائیان خلق (اکثریت) در همه‌جبهه‌های مبارزه علیه ضدانقلاب، سازمان ما همچنان در رابطه با پاره‌ای از ارگان‌های جمهوری اسلامی ایران متحمل فشارها و تضییقات غیرقانونی است. طی سه‌ماه گذشته صدها عضو و هوادار سازمان در تبریز و سایر شهرستان‌های آذربایجان از سوی کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران و دادگاه‌های انقلاب بازداشت و هم‌اکنون نزدیک صد تن از آنان بلا تکلیف در زندان به سر می‌برند. بازداشت بسیاری از رفقای ما با رفتارهای نادرست، توقیف اموال و هزاران جلد کتاب مجاز همراه بوده است. بازداشت غیرقانونی رفقای ما به همراه رفتارها و اعمال نادرست نیروها و نهادهای مسئول گذشته از آن‌که نادیده گرفتن و بی‌توجهی کامل به اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی است، یقیناً زمینه‌های بسیار مناسبی برای دستگاه‌های تبلیغاتی ضدانقلابی فراهم می‌آورد. ما مصراً خواهان متوقف شدن این اعمال غیرقانونی و آزادی بدون قید و شرط رفقای زندانی خود هستیم.



کشمیری عامل انفجار نخت وزیری در دو چهره

آیا هنوز هم شک دارید که کشمیری‌ها و کلاهی‌ها از کدام طریق و با توسل به کدام جریه‌ها به حساس‌ترین نقاط دستگاه حکومتی راه می‌یابند؟ چه چیز جز مسلمان‌نمایی و دشمنی کینه‌توزانه با فدائیان و توده‌های و اتحاد شوروی راه نفوذ آنان را به حکومت باز کرده است؟ از مقامات مسئول می‌خواهیم تمام سوابق کشمیری‌ها و جریه‌هایی که برای جلب اعتماد یکار برده‌اند، را برای آگاهی مردم بی‌کم‌وکاست انتشار دهند.

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر